

انگاره‌های آخرالزمانی
عمادالدین باقیوطن‌پرست ملی‌گرا
به مناسبت سالمرگ داریوش فروهرجهانگشای ایرانی
درباره نادرشاه افشار

هشدار ایران به آژانس

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکید کرد:

ایران به اقدامات غیرسازنده شورای حکام پاسخ خواهد داد

رافائل گروسی خبر داد: ایران با توقف افزایش ذخایر غنی شده بالای ۶۰ درصد موافقت کرده است

سازندگ



گروه بین‌الملل: نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (چهارشنبه ۲۰ نوامبر) در وین اتریش آغاز به کار کرد و تا ۲۲ نوامبر (جمعه) ادامه خواهد داشت. موضوعات مورد بحث در این نشست شامل درخواست‌های عضویت در آژانس، گزارش کمیته کمک‌ها و همکاری فنی، راستی‌آزمایی و نظارت در جمهوری اسلامی ایران ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود. به گزارش ایرنا، این نشست درحالی برگزار می‌شود که ۳ کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان (تروئیکای اروپایی) ساعاتی قبل از برگزاری این نشست، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را علیه برنامه هسته‌ای ایران به دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحویل دادند که در آن از مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته شده تا گزارش جامع درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای بررسی در نشست اسفند ماه ۱۴۰۳ شورای حکام تهیه کند. در این سند که فرازهایی از آن توسط ایرنا مشاهده شده است بدون اشاره به همکاری‌های همیشگی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تهران خواسته شده تا برای حل‌وفصل مسائل ادعایی

پادمانی «اقدامات ضروری و فوری» صورت دهد. در سند یاد شده، ادعاهای سیاسی پادمانی و ریشه‌دار در اسناد جعلی رژیم صهیونیستی تکرار و از ایران درخواست شده است تا بدون فوت وقت درخصوص «ذرات اورانیوم با منشأ انسانی در دو مکان اعلام نشده در ایران، توضیحات معتبر ارائه و آژانس را از مکان(های) فعلی مواد هسته‌ای یا تجهیزات آلوده مطلع کند». این سند همچنین از ایران می‌خواهد که «اطلاعات، اسناد و پاسخ‌های مورد نیاز آژانس» را در این زمینه ارائه و دسترسی به مکان‌ها و مواد مورد نیاز بازرسان آژانس را فراهم کند. این درحالی است که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکنون بارها از تأسیسات هسته‌ای ایران بازدید کرده و هرگز مدرکی که نشان دهد، برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای کشور به سمت مقاصد نظامی انحراف داشته باشد، پیدا نکرده‌اند. ایران نیز به همکاری خود با آژانس در چارچوب موافقتنامه جامع پادمان ادامه داده و تاکید دارد که مسائل باقی‌مانده با رویکرد حرفه‌ای و بدون جانبداری آژانس قابل حل است.

ادامه در صفحه ۳

اختراع دوباره چرخ!

رئیس‌جمهور مجدداً بر طرح بی‌سرانجام انتقال پایتخت تاکید کرد و خبر داد: محمدرضا عارف مامور بررسی این طرح شده است



سرمقاله

انحراف سند چشم‌انداز

کارگزاران سازندگی ایران حاضر است
سند چشم‌انداز ۱۴۲۴ را تهیه و تدوین کندمحسن هاشمی‌رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در ملاقات حضوری اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای مرکزی ضمن معرفی اجمالی حزب به صورت بسیار خلاصه پیشنهاد شد که ضمن بررسی نحوه اجرا و موفقیت چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ با استفاده از توان کارشناسی احزاب در کشور، به‌خصوص حزب کارگزاران سازندگی ایران، دولت اقدامات موثری را برای پیش‌نویس چشم‌انداز افق ۱۴۲۴ را شروع نماید. لذا در این مقال نسبت به توضیح بیشتر موضوع پرداخته می‌شود.

دو هفته پیش دعوت‌نامه‌ای از دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت جهت حزب کارگزاران سازندگی برای شرکت در جلسه همفکری تدوین چشم‌انداز ۱۴۲۴ به دستمان رسید. از آنجا که در جریان فرآیند تدوین چشم‌انداز فعلی (افق ۱۴۰۴) در سال ۱۳۸۲ بودم با کنجکاوی در این جلسه که با حضور نمایندگان بعضی از احزاب اصلاح‌طلب و اصولگرا تشکیل شده بود، شرکت کردم.

آنچه که در وهله نخست مشخص بود، ناآشنایی یا فراموشی جریانات سیاسی یا نحوه تدوین و محتوای سند چشم‌انداز فعلی بود که بعضاً تصویری مفصل و مشروح در ذهن از آن داشتند و برخی آن را رویایی و بعضی آن را حاصل تلاش کارشناسان دفتر رهبری و بعضی دیگر دولت اصلاحات می‌دانستند. لذا در نوبت خود توضیح دادم که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ که در زمان دولت دوم اصلاحات مشترکاً با دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و به تایید رهبری رسید، متنی دو صفحه است که به رئیس مجمع تشخیص آیت‌الله هاشمی و سران سه قوه در آبان ۱۳۸۲ ابلاغ شد. طبیعی است که مطالعات و بررسی‌های گوناگون و جلسات کارشناسی آن را پشتیبانی می‌کرد. البته متن هیچ وقت به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید اما مقرر شد با چهار برنامه ۵ ساله و بودجه‌های سالیانه که به تصویب مجلس می‌رسد، تحقق یابد.

بدین صورت بود که دبیرخانه مجمع کار تحریر چشم‌انداز را آغاز کرده بود که آگاه شد، سازمان برنامه هم بعد از سفر آقای خاتمی، رئیس‌جمهور وقت به مالزی و آگاهی از چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی که در آن کشور تبلیغ همه جانبه می‌شد، در موسسه برنامه‌ریزی گروه مطالعاتی سند چشم‌انداز را تشکیل داده‌اند. لذا پیش‌نویس این سند با مشارکت سازمان برنامه دولت اصلاحات و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت تدوین شد و متن آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور همه ارکان نظام اعم از سه قوه، شورای نگهبان و اعضای حقیقی و با مدیریت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نهایی شد و توسط آیت‌الله خامنه‌ای به ریاست مجمع و سران قوا ابلاغ شد.

اما مهم‌تر از اینکه بدانیم سند چشم‌انداز، کار کیست؟ این است که بفهمیم آیا این سند محقق شده است یا خیر؟ و اگر بخش قابل قبولی از آن نیز محقق نشده، علت آن چیست؟ تا پاسخ پرسش‌ها داده نشود، نوشتن سند چشم‌انداز جدید، اقدامی بی‌حاصل است چون در خوش‌بینانه‌ترین حالت به سرنوشت سند چشم‌انداز فعلی مبتلا خواهد شد.

اما چرا خوش‌بینانه؟ در اواخر دولت اصلاحات که سند چشم‌انداز درحال نهایی شدن بود، ایران یک دوره ۱۶ ساله رونق اقتصادی با متوسط رشد ۸ درصدی و حرکت به سمت توسعه با ثبات و پایدار را طی می‌کرد. دولت سازندگی موفق به بازسازی بخش بزرگی از ویرانی‌های جنگ شده بود و دولت اصلاحات برنامه اقتصادی آن را در توسعه زیرساخت‌ها و رشد بخش تولید و خدمات را ادامه داده بود، تورم به مرز تک‌رقمی رسیده بود و بیکاری نیز رو به کاهش بود. ذخایر حاصل از رشد درآمدهای نفتی به سوی فعالیت‌های مولد و صندوق ذخیره نفتی هدایت می‌شد، نرخ ارز و ارزش پول ملی به ثبات رسیده بود سال‌ها زیر ۱۰۰۰ تومان را تجربه کرد.

ادامه در صفحه ۶



رهنمود

رهبر انقلاب در دیدار جمعی از مدیران، اساتید و طلاب جامعه‌الزهر(س):

نزوم تحول در حوزه‌های علمیه



رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر روز گذشته در دیدار جمعی از مدیران، اساتید و طلاب جامعه‌الزهر(ا(س) این مجموعه اثرگذار را از پدیده‌های بی‌نظیر برآمده از انقلاب اسلامی و موجب افزایش سطح معلومات دینی و اثرگذاری زنان دانستند و با اشاره به ضرورت تحول و روزآمدی حوزه‌های علمیه همپای تحولات جامعه، گفتند: حوزه‌های علمیه باید برای مسائل مهم جامعه ازجمله مسائل اقتصادی، حکمرانی و خانواده نظر داشته باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، تشکیل جامعه‌الزهر(ا(س) را مرهون ابتکار امام بزرگوار خواندند و گفتند: نفس تشکیل مجموعه‌ای با ماموریت ارتقاء معرفت و آگاهی دینی جمع زیادی از زنان و دختران کشور، بسیار ارزشمند است چراکه تا قبل از آن، زنان در تاریخ کشور از چنین امکانی برخوردار نبوده‌اند.

ایشان با اشاره به صدمات فراوان ناشی از گسترش فرهنگ غربی به جامعه زنان در دوره رضاخانی ازجمله عوارض ناشی از سطح پایین معلومات دینی زنان و نبود مجموعه مختص ارتقاء معرفت دینی آنان، افزودند: امروز جامعه‌الزهر(ا(س) متکفل این ماموریت مهم است بنابراین هرچه بتوانید دانشجویان بیشتری جذب کنید و معلومات دینی آنها را بالاتر ببرید، کاری ارزشمند است. رهبر انقلاب، لازمه حرکت به سمت تمدن اسلامی را گسترش معارف اصیل دینی در میان عموم مردم خواندند و با توجه به این ضرورت، گفتند: تبلیغ و تبیین معارف اسلامی و احیاء دین، ماموریت مهم دیگر جامعه‌الزهر(ا(س) است که باید برای اثرگذاری تربیتی و پیش‌رُد معنوی زنان که نیمی از جامعه هستند، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام شود.

آیت‌الله خامنه‌ای تحول را امری طبیعی و قهری در عالم خواندند و گفتند: چنانچه زمام تحول به دست افراد عاقل و متدین باشد، جامعه و بشریت اعتلا پیدا می‌کند اما بدون آن، تحول رو به گمراهی و انحطاط می‌رود همچنان که امروز در جوامع غربی، منکرات عقلی به معروف تبدیل شده است.

ایشان حوزه‌های علمیه را نیز همچون سایر مجموعه‌ها نیازمند تحول دانستند و افزودند: حوزه علمیه برای مردم و تبلیغ و پیشبرد دین و ایجاد حاکمیت دینی است که با توجه به درحال تحول بودن جامعه، حوزه علمیه هم باید برای انجام صحیح وظایف خود روزآمد شود.

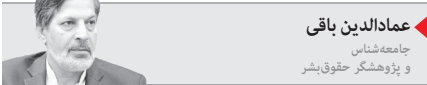
رهبر انقلاب به‌روزرسانی کتاب‌ها و شیوه‌های درسی در حوزه‌های علمیه و ورود به مسائل مورد نیاز جامعه ازجمله مسائل پولی و مالی، حکمرانی، خانواده و مسائل جدید همچون رمزارزها را ازجمله الزامات تحول در حوزه علمیه خواندند و افزودند: مخالفت با تحول حوزه علمیه، مخالفت با پیشرفت دین در کشور است، البته کسانی باید تحول را ایجاد کنند که صلاحیت آن را داشته باشند.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم حضور زنان دارای سطح بالای معارف دینی در رسانه‌ها و اجتماعات بین‌المللی و نقش جامعه‌الزهر(ا(س) در این خصوص، افزودند: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان فاضل پرشماری در جامعه حضور دارند که باید برای بیان مسائل مرتبط با زن و خانواده در رسانه‌ها آماده شوند همچنین باید بتوانند در مجامع بزرگ جهانی و اسلامی با استناد به آیات و روایات و نهج‌البلاغه، مطالب عالی دینی را بیان کنند که این کار هم در پیشرفت و شناساندن کشور در دنیا و هم در ایجاد امت اسلامی تأثیرگذار خواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای، برنامه‌ریزی برای تهذیب و پیشرفت روحی و معنوی زنان در جامعه‌الزهر(ا(س) را در کنار آموزش‌های علمی ضروری دانستند و گفتند: بانوی برخوردار از اخلاق اسلامی و تهذیب نفس می‌تواند نسل آینده را متحول و تربیت کند.

انگاره‌های آخرالزمانی

سرشت جنگ‌های منطقه ما به نظر من مذهبی نیست، سیاسی و اقتصادی است



در خشونت‌های چند دهه اخیر در خاورمیانه همواره طرفین جنگ با توسل به مذهب به مواجهه با یکدیگر می‌پردازند و اکنون که رویارویی‌ها نسبت به گذشته اوج و گسترش گرفته و میان اسرائیل با فلسطینیان، اعراب، مسلمانان و ایرانیان دو قطبی شده، با وجود اینکه مساله ارضی و اشغال مطرح است اما باز هم خصلت مذهبی به خود گرفته است.

نتیجه کلی بحث این است که برای تصمیماتی که به حیات و سرنوشت مردم و یک کشور مربوط می‌شود نباید به ایده‌های اوتوپایی، ذهنی و آخرالزمانی متوسل شد. اینها انسان را از عقلانیت ابزاری و محاسبه سود و زیان و منطقی رفتار کردن دور می‌کند و آسیب می‌رساند. همین نگاه باعث شده که در دولت آقای پزشکیان به خاطر اهمیت دادن به نظر کارشناسی کوشیده است فعلاً و تا اینجا واکنش‌های نسنجیده را مهار کند و جلوی ادامه جنگ را بگیرد. جنگ از نظر جامعه‌شناسی به منافع بالا یا نیروی ایمان نیاز دارد، نه اخلاق و نیروی اصلی که پشت جنگ اسرائیل نهفته آرماگدون و افکار آخرالزمانی است. دشمن واقعی و بالفعل اسرائیل کیست؟ پاسخ یهود اولمرت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل در مصاحبه با «سی‌ان‌ان» این است: «دشمن واقعی که ما داریم ایران نیست، حزب‌الله نیست، حماس نیست. دشمن واقعی درون اسرائیل است، گروه‌های آخرالزمانی موعودگرای یهودی مسیح‌گرای دیوانه، افراطی‌های اسرائیلی، دولت نتانیاهو و...».

این رویکردهای آخرالزمانی در ایران و لبنان هم وجود دارد اما نه به غلظت اسرائیل. البته بیشتر در سال‌های اخیر از ایران منتقل شده است. در لبنان به خاطر جنگ‌های خونین میان لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها بعد از ۱۹۷۵ ضدیت با فلسطینی‌ها حتی در میان شیعیان بیشتر از ضدیت با اسرائیل بود و با حضور حکومت ایران و حزب‌الله در لبنان این جو قدری تغییر کرد. باورهای آخرالزمانی در نبرد با اسرائیل هم در همین دوره رواج پیدا کرد. چند سال پیش کتابی به نام «یوم‌الخلاص» به قلم کامل سلیمان منتشر شد که به نام روزگار رهایی به فارسی ترجمه و در دو جلد منتشر شد. در این کتاب ۶۰۰ روایت را جمع کرده و به مصداق‌شناسی می‌پردازد. در مقدمه می‌نویسد: من این کتاب را می‌نویسم تا مردم را از واقعه‌ای آگاه کنم که همه مقدماتش به وقوع پیوسته است.

شیخ علی کورانی از روحانیون لبنانی که دهه ۶۰ در قم بود و از نزدیک با او آشنا بودم، کتابی دارد به نام عصر ظهور. البته در لبنان در زمان احمدی‌نژاد هم کتاب «احمدی نجاد و الثورة العالمية المقبلة» (احمدی‌نژاد و انقلاب جهانی پیش‌رو) از شادی فقیه در سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات دارالعلم منتشر و مدعی شده بود، احمدی‌نژاد رهبر سربازان مهدی است که قدس را آزاد می‌کند. مولف مدعی بود که بازگشت مهدی موعود بسیار نزدیک است و ما الان در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که آن را عصر ظهور نامیده است. او برای این دوره ۱۷ علامت ذکر می‌کند که محقق شده است. این‌علامات به ما می‌گوید که مسا در دوره ظهور امام زمان زندگی می‌کنیم و احمدی‌نژاد یکی از رهبران ارتش امام زمان است.

در ایران عده‌ای حتی بمب اتم را گره زدن به ظهور امام زمان. همسر مصطفی احمدی‌روشن (از دست‌اندرکاران برنامه هسته‌ای که سال ۹۰ ترور شد) می‌گوید: «مصطفی یک بار پیش آیت‌الله خوشوقت رفته و از ایشان پرسیده بودند «ظهور چقدر نزدیک است؟» آقای خوشوقت فرموده بودند: بستگی به این دارد که شما در نظنز چه کار می‌کنید».

متعصبان به باورهای آخرالزمانی در ادیان مختلف در اقلیت هستند اما وقتی دودشاخه آنها به پریز قدرت و ثروت وصل شود خیلی اثرگذار و جریان می‌شوند. خیلی از یهودها سکولارند اما الان در اسرائیل صهیونیست‌های آخرالزمانی متصل به ثروت‌های عظیم در دنیا به قدرت وصل رسیده و دارند شرارت می‌کنند. چسبندگی تعصب و ایمان دور از عقل به حدی است که نشنگی می‌آورد چنانکه مانند موادمخدر

توهم‌زا عمل می‌کند و افراد سعی می‌کنند، تاریخ گذشته و وقایع امروز را هم به سود عقیده خود تفسیر یا تحریف کنند. نمونه‌ها بی‌شمارند. یک نمونه امروزی و داخلی‌اش این است که یک کانال تلگرامی دارای همین گرایش‌ها در پستی، بخشی از ترجمه کتاب «آمریکای زمین‌گیر؛ چگونه عظمت را به آمریکا بازگردانیم»، نوشته دونالد ترامپ را به این مضمون منتشر کرده: «ایران تا زمانی که متعصبان مذهبی بر آن حاکم باشند، ملتی قدرتمند است». درحالی که این ترجمه غلطی از جملاتی است که ترامپ در کتاب خود با عنوان:Crippled America: How to Make America: Great Again نوشته است. ترجمه متن اصلی به این صورت است: «ایران، تا زمان به قدرت رسیدن مذهبپون تدررو، ملت قدرتمندی بود(فکت‌نامه).

جنوب لبنان چطور؟

جنگ‌های مذهبی زیادی در تاریخ وجود داشته و امروز هم وجود دارد که نمی‌توان چون مذهبی هستند به آنها صفت آخرالزمانی داد. برای مثال: جنگ‌های صلیبی که چند قرن طول کشید و با حمله مسیحیان به بیت‌المقدس شروع شد و با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت. ۹ جنگ صلیبی واقع شده که جنگ مذهبی تمام‌عیار بود اما به ندرت ویژگی آخرالزمانی داشته‌اند. جنگ با مغولان طرف جنگ مذهبی نبود اما شیعیانی که با مغولان مبارزه می‌کردند تحت تاثیر انگارهای آخرالزمانی قرار داشتند. سربداران با این پندار که وقت پایان جهان و ظهور منجی است هر جمعه به بیرون شهر به پیشواز مهدی موعود می‌رفتند و اینان بودند که در برابر مغولان ایستادند.

جنگ طولانی صفویان و عثمانیان که نزدیک به ۲۰۰ سال (البته با وقفه‌های مختلف) طول کشید، جنگی مذهبی بود اما آخرالزمانی نبود. جنگ مسیحیان و مسلمانان سودان که سرانجام در ۹ ژوئیه ۲۰۱۱/ ۱۸ تیر ۱۳۹۰ سودان جنوبی که حدود یک‌چهارم جمعیت را تشکیل می‌داد به‌عنوان کشوری مسیحی از سودان جدا شد و سازمان ملل متحد استقلال آن را به رسمیت شناخت؛ هرچند هنوز سودان‌شمالی دنبال یکپارچگی است. جنگ بین ارمنستان و ترکیه که به قتل‌عام ارمنه منجر شد و جنگ مسلمانان ترک با یونانیان مسیحی که همین الان در قبرس دیواری کشیده‌اند و یک طرف قبرس ترکی و یک طرف قبرس یونانی است.

جنگ بین مسلمانان و مسیحیان تیمور. تیمور از استان‌های اندونزی بود. اندونزی امروز ۳۰۰ میلیون جمعیت دارد و در شورش‌های استقلال‌طلبانه سرانجام در سال ۲۰۰۲ تیمور شرقی از اندونزی اعلام استقلال کرد و اهالی این سرزمین کوچک که امروز یک میلیون و اندی جمعیت دارد طی یک همه‌پرسی زیر نظارت نیروهای حافظ صلح ملل متحد، در ۳۰ آگوست ۱۹۹۹ به استقلال خود از اندونزی رای دادند.

جنگ بین مسلمانان بالکان و صرب‌های مسیحی که با دخالت دخالت نظامی شورای امنیت و آمریکا به ایجاد کشور مسلمان بوسنی در اروپا انجامید. جنگ داعش با شیعیان و ایزدی‌ها و در افغانستان بین طالبان و شیعیان هزاره و جنگ هند و پاکستان که به استقلال پاکستان از هند منجر شد و هنوز کشمکش مسلمانان و هندوها چه درون هند و چه میان دو کشور هند و پاکستان ادامه دارد و در میانمار هم شاهد نسل‌کشی مسلمانان توسط بودایی‌ها هستیم، جنگ‌های مذهبی هستند اما خصلت آخرالزمانی ندارند.

نکته دو اینکه، گرچه موضوع بحث ما باورهای آخرالزمانی است اما پیش‌فرض من این است که برخلاف آنچه مشهور شده، سرشت جنگ‌های منطقه ما به نظر من مذهبی نیست، سیاسی و اقتصادی است.

جنگ جاری منطقه از منظر جامعه‌شناختی هم مورد توجه قرار نمی‌گیرد و نگاه سیاسی در تحلیل‌ها غلبه دارد. برای مثال: مسائل جمعیتی و جمعیت جوان نقش مهمی دارند اما متغیرهای جامعه‌شناختی در تحلیل‌ها غایب است. اما آنچه موضوع اصلی گروه جامعه‌شناسی دین است اینکه اگر بپذیریم که سرشت اصلی این کشمکش‌ها مذهبی نیست اما مذهب به عنوان ابزار یا پشتیبان به کار رفته است و ما روی یک وجه آن هم تمرکز داریم و آن عقاید آخرالزمانی است نه کل مذهب.

آخرالزمان پنداری که در انگلیسی Arma- End time یا

geddon یا last days می‌گویند، واژه کلیدی بحث است. منظور این است که ادیان معتقدند روز رستاخیزی در این جهان وجود دارد که آخرالزمان است و دنیا با بحران روبه‌رو می‌شود و حوادث عجیب‌و‌غریب طبیعی و انسانی، بشریت را به نقطه پایان می‌رساند که در سوره قیامت در قرآن و برخی آیات دیگر توصیف شده و کم‌وبیش در دیگر ادیان هم وجود دارد. طبق این انگاره‌ها در پی این رویدادهای شگفت‌آور، تنها آنان که خداوند را شایسته می‌دانند، وارثان زمین خواهند شد. شخصیتی منجی در همه این آیین‌ها وجود دارد. حال اینکه آیا این آخرالزمان همان قیامت است یا غیر از آن، خودش محل اختلاف و موضوع بحثی دیگر است.

تفکر آخرالزمانی متعلق به خواص نیست بلکه در ادبیات عامه و فولکلور هم می‌توان آن را مشاهده کرد. مرحوم مادرزن ما وقتی که خبر عجیب‌و‌غریب را می‌شنیدند یا از تلویزیون می‌دیدند، می‌گفتند که انگار دوره آخرالزمان است. شبیه این حرف را قطعاً بسیاری از شما از پدر و مادرهای یا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها شنیده‌اید. منظور آن است که وقتی هیچ چیز سر جای خودش نباشد و از نظم و قاعده مرسوم و منطقی‌اش خارج شده باشد می‌گویند، انگار آخرالزمان است.

از نظر باورمندان پایان دنیا، اپیدمی‌ها نشانه‌های آخرالزمان هستند. اینکه جهان دیوانه شده و مشابه زمان قوم لوط که بشر نابود شد و دوباره زندگی از نو شروع شد، امروزه شوها و مدهای عجیب‌و‌غریب که اخیراً با لباس کله حیوانات هم انجام شده یا ظهور پدیده‌های غیراخلاقی جدید و به هم ریختن قاعده طبیعی ازدواج، نشانه تکرار همان سرنوشت است.

باورهای آخرالزمانی در آیین زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلامی وجود دارد. فیلم‌های علمی تخیلی فراوانی ازجمله پایان دنیا، برف‌شکن و... فیلم‌ها درباره زامبی‌ها یا انتشار ویروس‌هایی که دنیا را از بین می‌برند مانند فیلم شیوع، نشان می‌دهند که تفکر آخرالزمانی در رویکردهای علمی و فناوریانه هم نفوذ کرده و وجود دارد.

در عقاید آخرالزمانی محور همه چیز در جهان تقابل خیر و شر است. تعبیر محور شرارت بوش هم متأثر از همین نگاه بود. او تعبیر جنگ‌های صلیبی را هم به کار برد. جالب اینکه در هر زمانی در گذشته که جنگ و خشونت اوج گرفته مثل جنگ‌های صلیبی یا حمله مغول، فکر می‌کردند آخرالزمان موعود فرارسیده. الان هم چنین است.

اینکه در این آیین‌ها، باورهای آخرالزمانی چگونه بیان شده و چه تشابهات و تفاوت‌هایی دارند باز هم از موضوع بحث ما دور است و ما فقط بر نقش و حضور این باورها در جنگ‌های جاری تمرکز داریم و اینکه عقاید مذهبی و آخرالزمانی در جنگ‌های جاری خاورمیانه نقش دارند تا حدی که قوم یهود چون خود را قوم برگزیده می‌داند و بارها در سخنان آنها و حتی در «شبه قانون اساسی»شان آمده است، معتقدند آنها هستند که در آخرالزمان وارث زمین خواهند بود. دلیل اصرار بر حفاظت از پاکی خون و اصالت نژاد در صهیونیست‌ها که یهودیانی خالص هستند همین است. اگر یک یهودی با غیریهودی ازدواج کند دیگر خون او خالص نیست. قانونی هم گذرانند که غیریهودیان را شهروند درجه دو تعریف می‌کند و غیراصیل‌ها و غیریهودی‌ها از رده‌ای به بالا مجاز به داشتن سمت و مقام نیستند.

آنها حتی نقشه جغرافیای‌شان را از روی کتاب عهد تعیین می‌کنند به مرزهای جغرافیایی رسمیت یافته توسط سازمان ملل فعلاً به صورت تاکتیکی به حداقلی نگاه می‌کند را می‌پذیرند اما به عنوان کف، نه به عنوان سقف. ده‌ها مورد شعاع از نیل تا فرات و شوش و همدان را از سران و مقامات اسرائیلی دیده‌ایم. در تازترین نمونه‌اش برای مثال دانیل واپس، رئیس جنبش یهودی ناچالا در مورد محدوده کشور جعلی اسرائیل از نیل تا فرات با عنوان ارض موعود می‌گوید: «برای ملت یهود همان سرزمین موعود در کتاب مقدس از نیل تا فرات را آرزو دارم و من یقین دارم که روزی اتفاق خواهد افتاد. سوال: جنوب لبنان چطور؟ اگر قسمتی از آن سرزمین موعود است آن هم باید باشد حتی قسمت‌هایی از سوریه، عراق و ایران! بسیار منطقه بزرگی است».

این متن سخنرانی نگارنده در نشست انگاره‌های آخرالزمانی در جنگ جاری خاورمیانه است



فرصت آتش‌بس در لبنان

ژان نونل بارو، وزیر خارجه فرانسه: تلاش‌های آمریکا برای آتش‌بس بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان، فرصتی برای آتش‌بس پایدار ایجاد کرده است و هر دو طرف باید توافق روی میز را بپذیرند. فرصت برای آتش‌بس پایدار در لبنان وجود دارد که امکان بازگشت آوارگان را فراهم می‌کند و حاکمیت لبنان و امنیت اسرائیل را تضمین می‌کند. منن از همه طرف‌ها می‌خواهم این فرصت را از دست ندهند.

ادامه تیتیریک



قضات را تایید نکنید!

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در رسانه اجتماعی تروث سوشال نوشت: دموکرات‌ها تلاش می‌کنند تا دادگاه‌ها را با یک‌سری قضات چپ رادیکالی پر کنند. سناتورهای جمهوری‌خواه باید خودی نشان دهند و امور را به دست بگیرند. تا پیش از روز تحلیف هیچ قاضی تایید نمی‌شود. در مقابل چاک شومر، رهبر اکثریت دموکرات سنا خواهان تایید نامزدهای قضاوت تا پیش از سال جدید شد.



قرار وثیقه برای خان

رسانه‌های پاکستان گزارش دادند که دادگاهی در پاکستان برای عمران خان، نخست‌وزیر سابق کشور در پرونده هدایای دولتی قرار وثیقه صادر کرد. پیش از این بشری بی‌بی، همسر نخست‌وزیر سابق پاکستان پس از صدور قرار وثیقه توسط دادگاهی در این کشور، سرانجام پس از ۹ ماه از زندان آزاد شد. عمران خان با بیش از ۱۵۰ پرونده قضایی درحال گذراندن چندین دوره زندان در راولپندی است.

دیدگاه: گزارش خارجی

خداحافظی با کی‌یف

چرا آمریکا و کشورهای اروپایی سفارتخانه‌های خود در اوکراین را تعطیل کردند؟

وزارت خارجه ایالات‌متحده اعلام کرد، سفارت این کشور در کی‌یف را در پی اطلاعاتی که درباره احتمال وقوع یک حمله هوایی گسترده دریافت کرده به صورت موقت تعطیل می‌کند. در بیانیه‌ای که در وب‌سایت سفارت آمریکا در پایتخت اوکراین منتشر شده، آمده است: «با توجه به احتیاط کامل، سفارت تعطیل خواهد بود و به کارکنان سفارت دستور داده شده که در محل‌های خود پناه بگیرند». این بیانیه همچنین به شهروندان آمریکایی توصیه کرده است که در صورت اعلام هشدار هوایی، آماده پناه گرفتن فوری باشند. این هشدار تنها یک روز پس از آن اعلام شد که اوکراین با استفاده از موشک‌های دوربرد آمریکایی موسوم به «اتکمز» به خاک روسیه حمله کرد. این حمله در پی اعطای مجوز جدید از سوی دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا در هزارمین روز جنگ انجام شد.

رسانه‌های آمریکایی گفته‌اند که تصمیم جو بایدن پس از رایزنی‌های چندین ماهه ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین برای استفاده از سلاح‌های آمریکایی به منظور حمله به سایت‌های نظامی روسیه در عمق خاک روسیه و در فاصله چند هفته تا تغییر دولت در واشنگتن و مراسم تحلیف دونالد ترامپ اتخاذ شده است.

خبرگزاری رویترز گزارش داده که تصمیم ایالات‌متحده عمدتاً در پاسخ به استقرار نیروهای زمینی کره‌شمالی در خاک روسیه گرفته شده است. روسیه ماه‌ها به غرب هشدار داده بود که اگر واشنگتن اجازه دهد اوکراین از موشک‌های ساخت آمریکا، بریتانیا یا فرانسه برای حملات عمیق به خاک روسیه استفاده کند، مسکو کشورهای عضو ناتو را به طور مستقیم در جنگ اوکراین مسئول خواهد دانست.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در ماه اکتبر گفته بود که مسکو به حملات اوکراین با استفاده از سلاح‌های آمریکایی به عمق خاک روسیه، پاسخ خواهد داد. روز سه‌شنبه ولادیمیر پوتین فرمانی را به امضا رساند که به موجب آن مسکو از این پس اجازه خواهد داشت تا علیه «یک کشور غیرهسته‌ای» به شرط اینکه آن کشور از حمایت قدرت‌های هسته‌ای برخوردار شده باشد از تسلیحات هسته‌ای خود استفاده کند. این تصمیم به فاصله تنها یک روز پس از موافقت واشنگتن برای استفاده کی‌یف از موشک‌های دوربرد آمریکایی علیه تأسیسات نظامی روسیه در خاک روسیه گرفته شده است. نیروهای روسی هم‌اکنون حدود یک‌پنجم خاک اوکراین را در تصرف خود دارند و اخیراً به سرعت درحال پیشروی سرزمینی هستند. به موازات این تحولات و پس از گزارش رسانه‌ها درخصوص «حمله هوایی بزرگ» از سوی روسیه علیه پایتخت اوکراین و صدور هشدار توسط سفارت آمریکا در کی‌یف به کارکنانش، سفارت‌های ایتالیا، یونان و اسپانیا هم در کی‌یف (چهارشنبه) بسته شدند. در اطلاعیه دولت ایتالیا آمده است، در صورت حمله هوایی به همه شهروندان ایتالیایی در این کشور توصیه می‌شود بلافاصله به نزدیک‌ترین پناهگاه بروند.

از سوی دیگر، کاخ سفید اعلام کرد: ایالات‌متحده از اینکه روسیه با به‌روزرسانی دکترین هسته‌ای خود آستانه حملات هسته‌ای را پایین آورده، غافلگیر نشده و برنامه‌ای نیز به منظور تغییر آرایش هسته‌ای خود در پاسخ به آن ندارد. همچنین «کی‌پر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس نیز مدعی شد، اعلامیه اخیر روسیه مبنی بر تصویب دکترین هسته‌ای به‌روزرسانی شده این کشور، لفاظی غیرمسئولانه در قبال تسلیحات هسته‌ای بوده و تأثیری بر روند پشتیبانی از اوکراین نمی‌گذارد.

همچنین گفته شده پس از صدور مجوز استفاده از موشک‌های دوربرد آمریکایی اتکمز انتظار می‌رود، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال دادن اجازه برای استفاده از موشک‌های سایه توفان ساخت انگلیس به اوکراین باشد.

یورونیوز



دیپلماسی همچنین تصریح کرد: در صورتی که طرف‌های مقابل بی‌توجه به حسن‌نیت و رویکرد تعاملی ایران، اقدامات غیرسازنده را در نشست شورای حکام از طریق صدور قطعنامه در دستور کار قرار دهند، ایران به نحو مقتضی و متناسب پاسخ خواهد داد.

همچنین وزارت امور خارجه فرانسه در بیانیه‌ای اعلام کرد که ژان نونل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه در گفت‌وگوی تلفنی خود با سیدعباس عراقچی، همتای ایرانی خود تأکید کرد که فرانسه به همراه شرکای آلمانی و انگلیسی خود به تلاش‌ها برای بازگشت به مذاکرات با ایران بر سر موضوع برنامه هسته‌ای آن به منظور یافتن راهکاری دیپلماتیک ادامه می‌دهد. در بیانیه وزارت امور خارجه فرانسه آمده است که بارو مدعی شده «گسترش تنش‌های هسته‌ای» از سوی ایران بسیار نگران‌کننده بوده و دربردارنده خطر اشاعه تسلیحات اتمی است. او از ایران خواست به تعهدات خود ذیل توافق پادمانی عمل کند تا آژانس قادر به تایید ماهیت منحصر‌الصالح فعالیت‌های هسته‌ای ایران باشد.

از سوی دیگر، عراقچی (چهارشنبه) در گفت‌وگوی تلفنی با رونالد لامولا، وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی(که کشورش از اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است) موضوعات مرتبط با نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه پیشنهادی سه کشور اروپایی و همکاری‌های میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد بحث و تبادل‌نظر قرار داد.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان در این مکالمه تلفنی با اشاره به سفر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران، حسن‌نیت جمهوری اسلامی ایران در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متذکر شد و تأکید کرد: اگر طرف‌های مقابل به دنبال تقابل باشند، جمهوری اسلامی ایران نیز واکنش مناسب از خود بروز می‌دهد.

این رایزنی‌ها درحالی انجام شد که متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در آستانه برگزاری نشست شورای حکام در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز تلاش سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان برای صدور قطعنامه ضدایرانی در نشست شورای حکام آژانس و واکنش واشنگتن در این مورد گفت: «ما همچنان به همکاری نزدیک با سه متحد اروپایی پیش از نشست شورای حکام بین‌المللی انرژی اتمی ادامه خواهیم داد و از اقداماتی که ایران را پاسخگو کند، حمایت می‌کنیم». وی افزود: همانطور که رئیس‌جمهور آمریکا به صراحت اعلام کرده است، ما متعهد هستیم که ایران هیچ‌گاه به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند.

هسته‌ای ایران گفت: فردو یکی از مراکز مهم است و بازرسان من به طور منظم آنجا هستند. با توجه به اهمیت این مرکز مایل بودم نظر خودم را داشته باشم. وی نسل جدید ساترئیفوهای ایران در این مرکز را چشمگیر توصیف کرد. وی درباره پیش‌نویس قطعنامه ترویکا هم تکرار کرد که این مساله به او در مسند مدیرکل آژانس ارتباطی ندارد، اما گفت که مسلماً تصویب قطعنامه روی کار ما تأثیر خواهد گذاشت.

به گزارش ایسنا، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پاسخ به سوال دیگری درباره نحوه ارتباط آژانس با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا تصریح کرد: «به‌طور غیررسمی، راه ارتباطی با رئیس‌جمهور منتخب آمریکا شکل گرفته است، امیدوارم هرچه سریع‌تر با او دیدار کنم». او افزود: به همکاری خود با دولت کنونی آمریکا ادامه خواهم داد.

گروسی در پاسخ به سوال دیگری درباره ادعای مقامات اسرائیل ازجمله بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم پیرامون آسیب وارد شدن به تأسیسات هسته‌ای ایران در پی حمله به ایران گفت: «هیچ صدمه‌ای به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد نشده است. شاید در گذشته این مساله رخ داده باشد. به باور ما در پارچین و طالقان، تأسیسات هسته‌ای نیست و هیچ اطلاعاتی مبنی به هسته‌ای بودن این تأسیسات وجود ندارد». گروسی افزود: «براساس قوانین بین‌المللی، تأسیسات هسته‌ای نباید هدف حمله قرار گیرند و امیدوارم در گفت‌وگوهای مقامات اسرائیلی درباره این مساله صحبت کنیم».

رایزنی عراقچی

اظهارات گروسی درحالی مطرح می‌شود که رئیس دستگاه دیپماسی کشورمان دور جدید گفت‌وگوها و رایزنی‌های خود با گروسی و سایر طرف‌های اروپایی را در دستور کار قرار داده است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه (چهارشنبه) در گفت‌وگوی تلفنی با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد تعاملات ایران و آژانس در پرتو نتایج سفر گروسی به تهران همچنین تحولات مرتبط با نشست شورای حکام به بحث و تبادل‌نظر پرداخت. وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به سفر گروسی به ایران خاطر نشان کرد که تفاهمات صورت‌گرفته در جریان این سفر، باردیگر حسن‌نیت و اراده جمهوری اسلامی ایران را برای ارتقای تعاملات و همکاری‌ها با آژانس اثبات کرد. در این گفت‌وگوی تلفنی همچنین دو طرف بر اراده خود برای ادامه مسیر گفت‌وگو و تعامل به منظور حل‌وفصل اختلافات و پرداختن به دیگر موضوعات در دستور کار و پرهیز از رویکردهای غیرسازنده و تقابلی تأکید کردند. رئیس دستگاه

از سوی دیگر ایران در جریان سفر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران درباره تبعات صدور قطعنامه هشدار داد و اعلام کرده بود که اگر طرف‌های مقابل مسیر تعامل را در پیش بگیرند، ایران هم اهل تعامل است اما اگر مسیر تقابل و قطعنامه و اخلال در برابر ایران را برگزینند، تهران نیز تصمیمات لازم را خواهد گرفت. این اخبار درحالی منتشر می‌شود که یک روز قبل از برگزاری نشست شورای حکام (سه‌شنبه) خبرگزاری فرانسه به نقل از دیپلمات‌های غربی مدعی شد که سه کشور اروپایی عضو برجام با حمایت آمریکا قصد دارند با ادعای همکاری ضعیف ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست فصلی شورای حکام آژانس علیه تهران اقدام تنبیهی انجام دهند.

خبرگزاری فرانسه گزارش داده بود که انگلیس، فرانسه و آلمان (ترویکای اروپا) با حمایت آمریکا قرار است در میانه نگرانی‌ها از آنچه توسعه سریع برنامه هسته‌ای ایران خوانده شده، قطعنامه جدیدی به شورای حکام ارائه کنند که این قطعنامه تنبیهی با هدف افزایش فشارهای دیپلماتیک بصر ایران برای بازگشت به پایبندی به تعهدات هسته‌ای خود و رسیدگی به نگرانی‌های دیرینه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه می‌شود.

توقف ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد

به موازات این روند رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست با خبرنگاران در حاشیه نشست فصلی شورای حکام حاضر شد و اعلام کرد از ایران درخواست کرد که ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد را متوقف کند و این مساله از سوی ایران پذیرفته شد. وی با بیان این ادعا که ایران اقدامات مقدماتی را در این زمینه صورت داده است، افزود که بازرسان آژانس این مساله را روز شنبه گذشته، تایید کردند. مدیرکل آژانس ادامه داد: بدیهی است که مذاکرات مهمی اکنون در شورای جریان دارد و باید ببینیم چه خواهد شد. اما این مساله‌ای است که ما توافق کردیم و امیدوارم ادامه یابد. به نظرم این تحول بسیار مهمی است.

وی درباره پیش‌نویس قطعنامه ترویکای اروپا پیرامون درخواست از مدیرکل آژانس برای ارائه گزارش جامع گفت: ابتدا باید قطعنامه تصویب شود. درحال حاضر پیش‌نویس قطعنامه ارائه شده و اعضای شورا باید تصمیم بگیرند. البته نباید فراموش کنیم که یک قطعنامه پیش‌تر صادر شده بود که در آن به امکان درخواست برای گزارش جامع اشاره شده بود. اکنون باید منتظر باشیم و ببینیم در نشست چه خواهد شد. مدیرکل آژانس در پاسخ به این سوال که آیا در سفر به ایران پیشنهادی جدی برای تقویت همکاری‌ها با آژانس ارائه شده است، افزود: من همه چیز را جدی می‌گیرم. ما مذاکره کردیم و این برای من بسیار مهم بود با رئیس‌جمهوری ایران صحبت کنم. البته باید سابق را در نظر گرفت و محتاط بود. در عین حال باید راستی‌آزمایی کرد، کاری که آژانس انجام می‌دهد.

به گزارش ایرنا، گروسی ادعا کرد که این گام‌ها کافی نیست اما «ملموس» است و ما به مذاکرات ادامه می‌دهیم. مدیرکل آژانس در پاسخ به این سوال که آیا موافقت ایران با توقف افزایش ذخایر اورانیوم با غنای ۶۰ درصد مشروط بوده است، گفت که چنین پیامی را از طرف ایرانی دریافت نکرده اما هر گونه احتمال را در نتیجه تحولات نشست شورا رد نکرد. او گفت: این فقط یک گمانه‌زنی است و من آنچه که صحبت کردیم را مطرح می‌کنم. وی در بخشی از صحبت‌های خود با بیان این ادعا که سطح غنی‌سازی در ایران در حد نظامی است، افزود که این برای نخستین بار است که ایران با توقف افزایش ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد موافقت کرده است.

گروسی در پاسخ به سوالی درباره نتیجه بازدید او از تأسیسات

گزارش سینمای ایران

زودپز دوباره جوش آمد

فروش فیلم رامبد جوان از **صبحانه با زرافه** پیشی گرفت

فیلم سینمایی «زودپز» به کارگردانی رامبد جوان به صدر جدول فروش هفتگی برگشته است. بر مبنای آمار سمفا تا پایان روز سه‌شنبه ۲۹ آبان فیلم سینمایی «زودپز» به کارگردانی رامبد جوان در ۷ روز گذشته با فروش ۱۷ میلیارد و ۴۶۶ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان به صدر جدول فروش هفتگی بازگشته است. این فیلم توانسته است در طول ۴۵ روز عدد فروش بالاتر از ۱۶۰ میلیارد تومان را ثبت کند.

این درحالی است که برخی پیش‌بینی می‌کردند با اکران «صبحانه با زرافه» به کارگردانی سروش صحت فروش «زودپز» کاهش پیدا کرده و فیلم صحت بر صدر جدول فروش می‌نشیند. اما «صبحانه با زرافه» تنها یک هفته کمی بیشتر از «زودپز» فروش کرد و بعد از مدت کوتاهی دوباره فروش «زودپز» پیشی گرفت. فیلم سینمایی «زودپز» که اکران خود را از ۱۷ مهر ماه امسال آغاز کرده با در اختیار داشتن ۷۰۳ سالن سینما در سال جاری توسط ۲ میلیون و ۹۴۵ هزار نفر تماشا شده و به فروشی بیشتر از ۱۶۴ میلیارد تومان رسیده و تا این لحظه و گذشت ۴۵ روز از اکران سومین فیلم پرفروش سال ۱۴۰۳ به شمار می‌رود.

«زودپز» ششمین تجربه کارگردانی رامبد جوان بعد از فیلم «قانون مورفی» محسوب می‌شود. داستان فیلم در زمان موشک باران تهران در دهه ۶۰ اتفاق می‌افتد و به مسائل و اتفاق‌های درون یک خانواده می‌پردازد. محسن تائبنده، نوید محمدزاده، محمود جعفری، گلاره عباسی، روزبه حصاری، شیرین اسماعیلی، ساقی حاجی‌پور و... از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

«صبحانه با زرافه» حالا هم تعداد سالن و هم تعداد سانس کمتری نسبت «زودپز» دارد و حدود ۱۰۰ میلیون به طور روزانه کمتر از فیلم رامبد جوان می‌فروشد. «زودپز» فیلم سوم جدول فروش امسال است و «صبحانه با زرافه» در رتبه هشتم جدول فروش جای دارد. فروش فیلم رامبد جوان به احتمال بسیار تا پایان هفته به فروش «تمساح خونی» خواهد رسید.

فروش فیلم صحت به ۶۰ میلیارد رسیده و فاصله «زودپز» با این فیلم ۱۰۰ میلیارد است و با توجه به فروش، تعداد سالن‌ها و سانس‌های این فیلم و افزایش آنها و البته فروش بالای فیلم بعید به نظر می‌رسد که «صبحانه با زرافه» بتواند به فروش این فیلم برسد.

«زودپز» به احتمال زیادی یکی از دو فیلم رتبه اول و دوم جدول فروش امسال خواهد بود. البته با توجه به اکران فیلم‌های کمدی تازه مانند «هفتاد سی» ساخته بهرام افشاری احتمال اینکه اکران آن بر فروش این دو فیلم تاثیر بگذارد، وجود دارد. اما استقبالی که از «زودپز» صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که پس از گذشت یک ماه‌و نیم از اکران این فیلم، فروش خوب آن همچنان ادامه دارد و بعید به نظر می‌رسد که جایگاه خود را در جدول فروش از دست بدهد.

«بیعی قهرمان»، «باغ کیهانوش»، «شهرگره‌ها»، «مفت‌بر» و... به ترتیب رتبه‌های بعدی جدول فروش روزانه خود را به خود اختصاص داده‌اند.

این نخستین تجربه همکاری نوید محمدزاده و محسن تائبنده با یکدیگر و با رامبد جوان در مقام کارگردان در فیلمی کمدی به شمار می‌رود. رامبد جوان در مقام کارگردان سابقه ساخت کمدی‌های پرفروشی همچون «ورود آقایان ممنون» و «دختر آدم پسر حوا» را دارد. همچنین این فیلم اولین تجربه نوید محمدزاده در یک نقش کمدی محسوب می‌شود.



خوابار باردم سریال بازی می‌کند

خاویر باردِم در سریال تلویزیونی «تنگه وحشت» که استیون اسپیلبرگ و مارتین اسکورسزی تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارند، بازی می‌کند. درباره داستان سریال گفته شده است: توفانی برای آماندا و استیو باودن وکلای خوشبخت در راه است، چون مکس کدی (با بازی باردِم) قاتلی بدنام از گذشته آنها، از زندان آزاد می‌شود. این سریال براساس رمان جان دی مک‌دونالد به نام «جلادها» ساخته می‌شود.

ثبت‌نام فیلم فجر آغاز شد

ثبت‌نام فیلم‌های سینمایی حضور در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر که از ۱۵ آبان آغاز شده تا ۳۰ آبان ماه ادامه دارد. با توجه به تفکیک بخش بین‌الملل از ملی، آثار خارجی ثبت‌نام شده در جشنواره مستقل بین‌الملل که تاریخ برگزاری آن اعلام خواهد شد مورد ارزیابی می‌گیرند و فیلم‌های ایرانی تولید یک سال اخیر که در جشنواره‌های بین‌المللی حضور داشته‌اند هم می‌توانند متقاضی حضور در بخش ملی باشند.

تغییر رای دادگاه با اکران مستند

به بهانه اکران مستند **خانواده خلیج** در سینماهای هنر و تجربه

تعداد مستندهایی که براساس پرونده‌های واقعی ساخته می‌شوند، کم نیستند. مشهورترین آنها «کارت قرمز» ساخته مهناز افضلی که براساس پرونده ناصر محمدخانی و شهلا جاهد ساخته شده، یا مستند «قوبل» به کارگردانی علی فراهانی‌صدر که در هفدهمین جشنواره «سینماحقیقت» روی پرده رفت و موضوع اصلی آن ورود خون‌های آلوده فرانسوی به ایران بود. سال پیش در «سینماحقیقت» مستند دیگری هم روی پرده رفت که موضوعی واقعی داشت و مورد تقدیر قرار گرفت. «خانواده خلیج» داستان زنی است که می‌کوشد با تأسیس مرغداری، رویاهایش را عملی کند. او طی ۲۰ سال بارها تا مرز ورشکستگی پیش می‌رود اما تلاش می‌کند با وجود مخالفت همسر و اطرافیان، مرغداری را حفظ کند. بدهی به بانک، تیر آخر به زندگی حرفه‌ای اکرم خلیج است، بحرانی که به نظر می‌رسد، خط پایانی بر رویای مرغداری و کارآفرینی است. از اینجا مریم الهامیان و مصطفی حاجی‌قاسمی، زوج فیلمساز وارد ماجرا می‌شوند و سعی می‌کنند ناظر خاموش وضعیت اکرم، همسر و فرزندان باشند. آنها ماه‌ها، کنار خانواده هستند و از مسیر زندگی آنها، دادگاه رفتن، ناامیدی‌ها و شکست‌هایشان تصویر می‌گیرند. فیلم با تمرکز روی رویاها، دعوای خانوادگی، کدورت‌ها و آسیب‌هایی که یک زن مستقل ممکن است برای خانواده‌اش به وجود بیاورد تا انتها معتدل و درست پیش می‌رود. به سمت هیچ یک از کاراکترها موضع‌گیری نمی‌کند و به دلیل فضای باورپذیری که دارد تا پایان بیننده را با خود همراه می‌کند. مریم الهامیان پیش از «خانواده خلیج» در زمینه نویسندگی، بازیگری و فیلمسازی فعالیت داشته اما این مستند، سکوی پرتاب او بود. استقبال از فیلم در جشنواره «سینماحقیقت» توجه‌ها را به سمت دو کارگردان و این مستند معطوف کرد. اکرم خلیج شخصیت اصلی این فیلم، به شهادت آنچه در این مستند از او تصویر شده، زنی خاص و قوی است، استیصال در همه افراد خانواده نفوذ می‌کند اما اکرم از خواسته‌اش کوتاه نمی‌آید و با پس نمی‌کشد. او در این باره می‌گوید: «مقاومت من برای خانواده به‌خصوص پسرانم بود. خوشبختانه حضور خانم الهامیان و آقای حاجی‌قاسمی برای ثبت این زندگی و این پرونده، باعث توجه به آن شد. من آمیدی به حل مساله نداشتم. در درجه اول خدا کمک کرد و در مرحله بعد، ساخت این مستند و همراهی آقای اخوانی، وکیل پرونده و تلاش و احساس مسئولیت او بود که باعث شد، رای دادگاه در نهایت به نفع ما باشد. من بارها در طی این مسیر، ناامید شدم. با خدا صحبت می‌کردم و از او کمک می‌خواستم، من و همسر من مرغداری را در شرایط سختی راه‌اندازی کردیم، بارها وام گرفتیم یا خانواده و دوستان به دامن رسیدند اما در ماجرای آخر، آمیدی برای حل مساله نداشتم. خوشبختانه خدا خانم الهامیان را در مسیر ما قرار داد. من به ایشان گفتم که نمی‌توانم فیلم بازی کنم اما او صبوری کرد و در لحظات زندگی ما همراهان شد. این مستند، فیلم نیست، واقعیت زندگی چند ساله من و خانواده‌ام است، هیچ کدام از ما بازی نمی‌کردیم، بسیاری از مواقع رنج ما در فیلم ثبت شده است». بخش جذاب ماجرا این است که با تلاش کارگردانان فیلم و با انتخاب حمید اخوانی، وکیل شناخته شده این پرونده، بالاخره حکم به نفع خانواده خلیج صادر می‌شود و آنها می‌توانند بار دیگر مشکلات مالی را پشت سر گذاشته و مرغداری را راه‌اندازی کنند. این اتفاق پس از پایان فیلم و با تماشای آن از سوی مسئولان دادگاه رخ داده است. حمید اخوانی، وکیل خانواده خلیج که در سکانس‌هایی از فیلم حضور دارد، درباره این پرونده می‌گوید: «تصور غلطی درباره تاثیر

بانک‌ها، قدرت و نفوذشان در جامعه وجود دارد، مستند «خانواده خلیج» این ذهنیت را از بین می‌برد و نشان می‌دهد که می‌شود علیه این تصور، اقدام کرد و به نتیجه رسید. همراهی من با این پروژه به دلیل دغدغه شخصی‌ام بود. فکر می‌کنم هر کدام از ما باید بتوانیم، تاثیرمان را در بهبود وضعیت جامعه و کشورمان بگذاریم، فارغ از اینکه تصویر بیرونی و ذهنیت جامعه چگونه است. من از سال ۹۲ به طور مشخص، تمرکز را روی پرونده‌هایی گذاشتم که به تضییع حقوق تولیدکنندگان انجامیده است. در اغلب این پرونده‌ها زیاده‌خواهی و اقدام غیرقانونی بانک‌ها باعث دردرس شده است». این بخش از فیلم می‌تواند برای کارآفرینان، تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه که در سال‌های اخیر در جدال با بانک‌ها دچار گرفتاری‌های فراوان شده‌اند، انگیزه‌بخش باشد. مصطفی حاجی‌قاسمی دیگر کارگردان فیلم با اشاره به مشکلات تولید «خانواده خلیج» می‌گوید: «ما مصر بودیم این خانواده را در مسیری که پرونده طی می‌کند و شرایط مختلف دنبال کنیم، خوشبختانه با وجود بعضی بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌ها، توانستیم فیلم را به پایان برسانیم، یکی از دشواری‌های ساخت چنین مستندهایی، ورود به دادگاه و آگاه شدن از مسیر دادرسی است». مریم الهامیان درباره اتفاقی که برای فیلم افتاده، می‌گوید: «تابستان ۱۴۰۲ قوه قضائیه مستند «خانواده خلیج» را دید، رئیس مرکز رسانه قوه قضائیه با من تماس گرفت و نظر مثبتش را درباره فیلم گفت. ایشان گفت ما می‌توانیم در حل این مساله کمک کنیم؟ در مسیر دادرسی، یکی از جلسات به نام جلسه حمایت از تولید به موقع برگزار نشده بود. من پیشنهاد برگزاری آن را دادم، ایشان پیگیری کرد و دهم آذر ماه ۱۴۰۲ جلسه حمایت از تولید برگزار شد و خوشبختانه رای به نفع این خانواده صادر شد. در این ماجرا ذره‌بین فیلمساز، روی موضوع افتاد و مدیران را حساس و علاقه‌مند به حل مساله کرد. مدیران قوه قضائیه با همین ذره‌بین به موضوع نگاه کردند، خانواده و تلاش مادر را دیدند. به نظر من آنها در کنار در نظر گرفتن قانون، زندگی و مهر مادری را هم دیدند.»

او با اشاره به اینکه برای تولید این مستند ۴ سال زمان صرف شد، توضیح می‌دهد: «این کار فیلم و فیلمساز است که آنها را با سوژه عجیب و همراه کرد، تولید فیلم «خانواده خلیج» ۴ سال به طول انجامید و به حدی روی این فیلم تمرکز داشتیم که با پرونده دیگری درگیر نشدیم. تاکید من صرفاً طرح معضلات بانکی و تولید نیست، در «خانواده خلیج» اگرچه بخش اقتصادی مهم است و معضلی که مطرح می‌شود، بعد اقتصادی دارد اما روایت ما، روایت قصه یک خانواده با محور مادر است، من مستندساز هستم، نه پژوهشگر مسائل اقتصادی و بانکی، اکرم خلیج یک زن قدرتمند، مادری به تمام معنی و چندوجهی است. برای هدف خود می‌جنگد و بسیار قدرتمند است، تلاش کردم در فیلم این ویژگی‌ها را بیان کنم».

«خانواده خلیج» پربیننده‌ترین فیلم روز نخست جشنواره هفدهم «سینماحقیقت» بود و در اختتامیه تدیس بهترین کارگردانی مستند بلند را دریافت کرد. این مستند نامزد دریافت تدیس بهترین فیلم، بهترین فیلم از نگاه تماشاگران و بهترین پژوهش هم بود. «خانواده خلیج» از چهارشنبه ۳۰ آبان ماه در گروه سینماهای «هنر و تجربه» روی پرده می‌رود. فیلمی که به نظر می‌رسد به واسطه فضای خانوادگی‌اش مورد توجه قرار بگیرد و کنجکاو‌برانگیز باشد. شاید اگر «خانواده خلیج» فیلمی داستانی بود با توجه به فرازونشیب‌ها و بحران‌هایی که بی‌دری برای شخصیت اصلی و خانواده‌اش به وجود می‌آمد، غیرواقعی به نظر می‌رسید اما در قالب یک اثر مستند، این تعداد حادثه و ماجرا، پرکشش و هیجان‌آور است و سرنوشت شخصیت‌ها را برای بیننده جذاب کرده است. «خانواده خلیج» با وجود تلخی‌هایش، فیلمی سیاه نیست. می‌توان آن را اثری در ستایش زن - مادر ایرانی دانست. مادری که برای رویاهای فردی و خانوادگی‌اش می‌جنگد و هرگز خسته نمی‌شود. «خانواده خلیج» تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی است و پس از نمایش در سینماها، اکران آنلاین می‌شود.

دیدگاه: یادداشت روز

تخصص‌گرایی در سایه تقدس‌گرایی

تمام‌قد به احترام تمام پرستاران ایران



کاش لحظه‌ای درنگ کنیم و با زوددن کلیشه‌ها رنگ تقدس را از چهره رنجور پرستاری بزداییم و به آن نگاهی حرفه‌ای بیندازیم. نه برای شاینت آن بلکه برای شفافیت منشور حقوق بیمار و پرستار، برای داشتن رویکرد حرفه‌ای با مسائل، برای اینکه بدانیم دقیقاً با چه چیزی طرف هستیم. برای اینکه با وجود انجام وظیفه تمام‌قد پرستار شاهد دست به یقه شدن همراه بیمار با پرستار نباشیم، اتفاقی که منجر به ضرب‌وشتم شده و چیزی جز پرورده قضایی عاید همراه بیمار نمی‌شود. برای اینکه به یاد بیاوریم تخصص‌گرایی و مدیریت درست نیروی کار بدون اضافه‌کاری‌های اجباری باعث بهبود کیفیت عملکرد پرستار شده و فرصت مناسب برای مهارت‌آموزی‌های تخصصی‌تر دوره‌ای را به او می‌دهد که همه اینها باعث ارائه خدمات موثرتر و دقیق‌تر به مددجو خواهد شد. اما ما شاهد به خواب رفتن همکارانمان سر کلاس‌ها و همایش‌های ادواری از فرط خستگی هستیم. شاهد حساب‌های مالی پر از خالی بعد از دو جاکاری‌ها و سه جاکاری‌ها که کفاف امرار معاش ماهیانه را هم نمی‌دهد، چه برسد به هزینه‌های اضافه برای کسب مهارت‌های بیشتر. اصلاً مگر کسی که حاشیه امن مالی نداشته باشد، می‌تواند انگیزه کافی برای ارتقای علمی داشته باشد و در نمایش‌های آرمان‌گرایانه اعتباربخشی‌های ادواری و سراسری، فردی کارآمد برای سیستم باشد؟ و چقدر جای پرستاری بهداشت جامعه در جامعه ایرانی خالی است تا مراقبت‌ها و آموزش‌های خارج از بیمارستان را به صورت گسترده و حرفه‌ای با تعرفه مناسب گسترش دهد تا شاهد جولان افراد غیرمتخصص در قامت پرستار نباشیم، افرادی که نان به نرخ روز می‌خورند و بدون مهارت کافی، مسئولیتی به این مهمی را به عهده می‌گیرند. اما این روزها گام‌های موثری در راستای بهبود شرایط حرفه پرستاری برداشته شده که امیدواریم استمرار داشته باشد و جامعه پرستاری را بیش‌ازپیش در وضعیت مطلوب ملی و بین‌المللی قرار دهد. به امید آن روز.

دیدگاه: یادداشت روز

رشته‌ای بدون جذابیت

درباره پرستاری که مصائب و مسائلش بسیار است



هر سال که می‌گذرد پرستاران تعدادشان کمتر می‌شود. برخی ترک وطن می‌کنند به امید ساختن فردایی بهتر در دیار غربت، برخی ترک شغل می‌کنند، به امید یافتن شغلی کم‌دردس‌تر با درآمدی بیشتر. هرچه می‌گذرد جذابیت‌های این شغل کمتر و کمتر می‌شود. شاید بالای که در سال‌های میانی دهه ۸۰ بر سر رشته‌های فنی‌مهندسی آمد کم‌کم بر سر پرستاری می‌آید، یعنی کاهش شدید ورودی دانشگاه‌ها. حقوق‌ها زیر ۱۵ میلیون با اضافه‌کار توهین‌آمیز ۲۰ هزار تومانی! بدون هیچ‌گونه امکانات رفاهی. کمبود شدید نیروی انسانی سبب شده است تا پرستار، مراقبت از تعداد بیشتری از بیماران را در هر شیفت کاری پوشش دهد و این موضوع باعث فرسودگی و مستهلک شدن پرستاران می‌شود. بحرانی شدید، هویت رشته پرستاری در ایران را تهدید می‌کند. در شرایطی که ۶ هزار نفر در آموزش و پرورش با بازنگری هسته گزینش معروف به ماده ۱۹ استخدام خواهند شد همکاران پرستار ما به جرم شرکت در تجمعات صنفی از نمونه شدن در روز پرستار هم محروم شده‌اند و توافقی موج می‌زند. زمانی که دافعه یک رشته بیشتر از جاذبه آن شود هویت آن رشته به‌شدت در خطر خواهد بود. ورودی پرستاری کم و خروجی آن زیاد خواهد شد. در دو سال گذشته ۱۵۰۰ پرستار ترک شغل کرده‌اند. برخی مهاجرت و برخی به شغل‌های دیگر روی آورده‌اند. بعد از فروکش کردن کرونا تمام نیروهای طرحی را که از جانشان گذشته بودند و در کرونا خدمت کرده بودند، مرخص کردند. حتی یک آیتم حقوقی خاص به پرستاری و کادر سلامت اختصاص نیافته است. پرستاران در معرض خشونت‌های فیزیکی و کلامی هستند و از آنان محافظت نمی‌شود! حتی از تغذیه مناسب در حین شیفت هم محروم هستند! آیا چنین رشته‌ای با این وضعیت می‌تواند جذابیت خود را حفظ کند؟ قطعاً خیر!

گی با احمد نجاتیان، رئیس کل سازمان نظام پرستاری

تبعیض دلیل مهاجرت پرستاران است

از نمایشگاه تجهیزات پرستاری که امسال برای نخستین بار برگزار شد، بفرمایید.

برای نخستین بار با توجه به تغییرات جمعیت‌شناسی مراقبت به عنوان صنعت مهم و تاثیرگذار مطرح شد و طیف وسیعی از تولیدکنندگان تجهیزات مراقبتی، ارائه‌کنندگان خدمات و مراکز مشاوره خدمات پرستاری در منزل و انجمن‌های مدافع حقوق بیماران مانند انجمن اوتیسم در کنار بیش از ۴۰ شرکت دانش‌بنیان در این نمایشگاه حضور داشتند. این نمایشگاه یک حرکت جدید برای توسعه خدمات مراقبتی در کشور است که با ادامه این مسیر در سال‌های آینده شاهد کاهش هزینه‌های دولت و بیمه‌ها در بخش سلامت خواهیم بود. در حاشیه این نمایشگاه هم شاهد نشست‌های سطح بالای نظریه‌پردازی همچون نرسینگ تاک و انفورماتیک پرستاری بودیم.

آیا از عملکرد خودتان به عنوان رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور راضی هستید؟

ما حقیقتاً آنچه را در توان‌مان بود، انجام دادیم. از جمله حمایت‌طلبی در سطح ملی و پیگیری مطالبات و حساس کردن همه نهادهای مربوطه اما نتیجه‌بخش بودن این پیگیری‌ها را باید از پرستاران ببرسیم و در بهبود کیفیت این حوزه ببینیم.

سخن پایانی با پرستاران جوان؟

با وجود برخی مشکلات، پرستاری آینده درخشانی در سطح ملی و بین‌المللی دارد که نسل جوان با شجاعت، عقلائیت و حفظ احترام بزرگان این رشته می‌تواند در راستای بهبود کیفیت و پیشرفت آن قدم بردارد.

سه نفر کار می‌کند. پرستاران بعد از کرونا رها شدند و بسیاری از آنان بیکارند، آنها از فرشته بودن پراشت جسته‌اند و می‌خواهند مثل یک انسان خاکی و معمولی زندگی کنند. پرستاران شاهد تبعیض در نظام سلامت هستند و برای همین مهاجرت می‌کنند. پرستاران منتظرند ببینند که دولت و مجلس برای فوق‌العاده خاص، معیشت و رفاه آنان چه کار می‌کنند؟ همچنین پیشنهاد تغییر فرمول محاسبه اضافه‌کار به صورتی که مبلغ هر ساعت اضافه‌کار به متوسط ۸۵ هزار تومان برسد طی مشورت با رئیس سازمان امور اداری و استخدامی مطرح شد.



ادامه سرمقاله

انحراف سند چشم‌انداز

در این شرایط سند چشم‌انداز را با مطلع ایران در سال ۱۴۰۴ اینگونه توصیف کرده بود:

ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.

از نظر داخلی نیز جامعه ایران در سند چشم‌انداز اینگونه توصیف شده است:

«توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و به‌رهمندی از امنیت اجتماعی و قضایی.

برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب».

در نهایت در ملاحظه چشم‌انداز خواسته شده که شاخص‌های کلان در برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه تنظیم و تعیین شده و به صورت کامل مراعات شود.

اکنون به پرسش‌های کلیدی نخست بازمی‌گردیم: آیا سند چشم‌انداز محقق شده است؟

جالب است بدانیم که در زمان تصویب سند، ایران جایگاه سوم اقتصادی را در منطقه داشت اما امروز به زحمت می‌توان ایران را جزو ۸ قدرت اول منطقه دانست. مهاجرت نخبگان و استعدادهای علمی و فعالان اقتصادی طی ۲۰ سال گذشته به حدود چند صد هزار نفر رسیده و از این نظر بیشترین آسیب به انباشت استعداد علمی در کشور وارد شده است. وضعیت سیاست خارجی و تعامل ما با دیگر کشورهای جهان به‌خصوص جهان اسلام نیز که نیاز به توضیح ندارد.

متوسط رشد اقتصادی کشور طی ۲۰ سال گذشته کمی بالاتر از صفر بوده است. نرخ بیکاری واقعی و نه اشتغال هفته‌ای چند ساعت در مرز ۱۵ درصد قرار دارد، بخش مهمی از مردم زیر خط فقر نسبی و البته بخشی زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

شاخص‌های مردم‌سالاری در حد پایین قرار دارد، مشارکت در دور نخست انتخابات ریاست‌جمهوری کمتر از ۴۰ درصد و در دور دوم نزدیک ۵۰ درصد بوده و متوسط آرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی کمتر از ۱۰ درصد واجدین

شرایط حوزه انتخابیه است.

از نظر امنیتی نیز علاوه بر ترورها و ناامنی‌های منطقه‌ای برای دومین بار رژیم صهیونیستی به کشور تجاوز کرد که البته این اقدام قرار است با وعده صادق ۳ پاسخ داده شود و اخیراً تل‌آویو با موشک فاتح ۱۱۰ توسط حزب‌الله زده شده است.

ناترازی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد نظیر انرژی، بودجه عمومی دولت و... به شرایط پایان جنگ تحمیلی بازگشته است و باید شاهد خاموشی برق، قطع گاز و کسری بودجه‌های وحشتناک باشیم که خود مولد دایره بسته تورم و فقر و بیکاری و عدم سرمایه‌گذاری است.

پرسشی که برای حاضران در جلسه مطرح کرد این بود که آیا به مقام معظم رهبری که ماموریت تدوین و نظارت بر سند چشم‌انداز را به مجمع تشخیص مصلحت نظام محول کرده است، گزارش‌های صادقانه و واقع‌بینانه‌ای از وضعیت کشور و عملکرد ۲۰ سال گذشته و علل عدم تحقق چشم‌انداز داده می‌شود؟ آیا تا به حال گزارش نظارتی تهیه شده است، اگر آری چرا در این جلسه مطرح نمی‌گردد؟!

اگر مسئولان باید به وظایف خود عمل کنند که چه راهکار و پاسخی برای عبور از این شرایط دارند. اما اگر مجمع و سران سه قوه با محافظه‌کاری شرایط واقعی را پنهان کنند، این وظیفه احزاب و نخبگان است که با گزارش‌های خود شرایط را به رأس نظام منتقل نمایند تا برای مشکلات ریشه‌ای و اساسی کشور تدبیر اندیشیده شود و البته چشم‌انداز بعدی ۱۴۲۴ طوری نوشته و تصویب و اجرا نظارت شود که بخش مهمی از آن تحقق یابد.

در مالزی و حتی در ترکیه که سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳



را اجرایی می‌کردند، سعی کردند اجماعی جدی در بین مردم و مسئولان به وجود آورند و به صورت دائم حتی در مغازه‌ها و تاکسی‌ها با برچسب آن را نصب و مطرح می‌کردند. مسئولان در مورد آن صحبت می‌کردند و از نحوه اجرا برای موفقیت آن می‌گفتند. در ایران اجرای سند چشم‌انداز با دولت احمدی‌نژاد آغاز شد و به صورتی مجمع از نظارت پرهیز داده شد. دولت احمدی‌نژاد به صورتی اعتقاد به برنامه چهارم که در دولت خاتمی به مبنای سند چشم‌انداز نوشته شده بود، نداشت.

یکی از ایرادات سند چشم‌انداز ساله نداشتن هدف‌گذاری با عدد و رقم بود، مثلاً هدف تولید ناخالص داخلی یا رقم صادرات یا درآمد سرانه و نرخ سرمایه‌گذاری را تعیین نکرده بود و خواسته که از قالب برنامه ۵ ساله درج شود. لذا در برنامه‌های ۵ سال رشد ۸ درصد در همه برنامه‌ها آمده. مورد اجماع همه بود. البته بعضی موارد در ضمیمه‌ها و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران وجود دارد.

در سال‌های اولیه اجرای سند چشم‌انداز برنامه چهارم قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار تا ۱۴۰ رسید لذا منابع اجرا هم وجود داشت. ولی رشد اقتصادی پایین به دو علت تحریم‌ها و عدم مدیریت صحیح کشور بوده است. علاوه بر تحریم‌ها که از سال ۷۸ اعمال شد به‌رغم وجود پتانسیل‌ها مطلوب برای رشد و توسعه و پیشرفت به دلیل مدیریت غلط، بهره‌وری پایین و عدم استفاده از تجربیات جهانی و تکنولوژی جدید دچار عقب‌ماندگی شده‌ایم. باید از دانش مدیریت در جهان بهره‌مند شویم و ساختار اداری ۵۰ ساله را کنار بگذاریم و چشم‌انداز جدید را واقعاً برای اجرا بنویسیم و نظارت کنیم تا اجرا شود و موانع آن را برطرف کنیم.

اختراع دوباره چرخ!

رئیس جمهور دوباره بر طرح بی‌سرانجام انتقال پایتخت تاکید کرد

گروه اجتماعی: طرح انتقال پایتخت که برای هفتمین بار طی ۱۱۰ سال اخیر مطرح شده، بار دیگر در دستور کار دولت قرار گرفت. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، با تأکید بر لزوم بررسی این موضوع به عنوان یک راه‌حل برای بحران‌های زیست‌محیطی و مشکلات مختلف تهران از عارف، معاون خود خواست تا مأموریت بررسی و امکان‌سنجی این طرح را آغاز کند. این طرح به ویژه پس از تأکیدات مکرر در خصوص چالش‌های تهران نظیر آلودگی هوا، ترافیک، تراکم جمعیت و هزینه بالای مسکن، بار دیگر مطرح شد.

در این سال‌ها بارها طرح انتقال پایتخت از سوی روسای دولت مطرح شده است. اما از زمانی که راهکار ساماندهی به جای انتقال پایتخت از میان گزینه‌های روی میز انتخاب شد تا به امروز هر بار موضوع انتقال پایتخت مطرح می‌شود به عنوان امری نشدنی با آن برخورد شده است. هزینه‌های بالای این انتقال یکی از موانعی است که مخالفان انتقال پایتخت مطرح می‌کنند.

کشورهایی که مراکز اداری و سیاسی خود را منتقل کرده‌اند ۴ تجربه مشترک دارند. بخش اعظم یا تمام هزینه مورد نیاز برای انتقال مرکز سیاسی و اداری و ساخت آن سایت از محل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأمین شده است. کشورهایی مثل مالزی، قزاقستان و کره جنوبی از جمله این کشورها هستند.

بیشتر کشورهایی که تصمیم به انتقال مرکزیت سیاسی و اداری گرفته‌اند، تلاش کرده‌اند شهر جدیدی طراحی کنند تا بتوانند ابعاد امنیتی را در شهر جدید کنترل و با ایجاد یک طرح جامع مدرن، مشکلات شهر جدید را به حداقل برسانند. برای اولین بار موضوع انتقال پایتخت در دوره ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی و شهرداری کرباسچی (سال ۱۳۶۸) مطرح شد و موضوع انتقال پایتخت به سمت ساماندهی تهران سوق داده شد. بعد از آن این موضوع در دوره دولت دهم مطرح شد. در این دوره، برخی از سازمان‌ها مثل سازمان میراث فرهنگی از تهران خارج شدند سپس دوباره به تهران بازگشتند.

همچنین طرح انتقال کارمندان به شهرستان‌ها مطرح ولی پس از مدتی این طرح متوقف شد. دلیل اصلی شکست این طرح، عدم انتقال نهاد و افراد موثر از تهران بوده است. در سال ۱۳۹۱ طرحی از سوی نمایندگان مجلس برای امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری به مجلس داده شد. این طرح در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و مقرر شد شورایی تحت عنوان شورای سساماندهی، تمرکززدایی از تهران و امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری از تهران تشکیل و ظرف دو سال تعیین تکلیف شود.

این راهکار در دولت‌های دیگر هم تکرار شد. در دولت سیزدهم اما تقسیم تهران در دستور کار قرار گرفت. احمد وحیدی، وزیر کشور وقت با بیان اینکه انتقال پایتخت یکصد میلیارد دلار لازم دارد، گفت: موضوع تقسیم استان تهران توسط دولت در دست بررسی است و مصوبه مجلس را لازم دارد که باید توسط مجلس دوازدهم بررسی و تصویب شود. به گفته او تهران یک‌پنجم جمعیت کشور را در خود جا داده و خیلی بزرگ است و کنترل آن نیز حائز اهمیت است.

وحیدی با بیان اینکه تقسیمات کشوری یک ابزار برای اداره بهتر و رسیدگی بهتر است، گفت: در استان تهران توازن خوبی نداریم. در بعضی شهرهای استان وضع خوب است و در برخی شهرها، وضعیت مناسبی نداریم لذا مدتی است که بحث تقسیم استان تهران مطرح شده است.

او هدف از تقسیمات استان تهران را جلوگیری از تمرکززدایی، امکان رسیدگی بهتر به شهرهای کمتر توسعه یافته و اداره بهتر عنوان کرد و افزود: سیاست دولت در راستای ایجاد عدالت و بهبود رفاه برای شهروندان است و برای بهتر اداره شدن، تشکیل استان‌های غربی و شرقی تهران را در برنامه داریم. انتقال پایتخت از سالیان طولانی مطرح بوده که این موضوع نیز باید به طور کارشناسی بررسی شود و نمی‌توان فوری تصمیم‌گیری کرد ضمن اینکه هزینه گزافی حدود یک‌صد میلیارد دلار بودجه برای این کار لازم است. سال‌هاست که موضوع جابه‌جایی پایتخت به یکی از موضوعات مورد علایق رسانه‌ها، برخی مقامات خرد



و کلان و حتی مردم عادی تبدیل شده و هر بار که به عنوان راهکار مورد بررسی قرار می‌گیرد، پاسخ مسئولان به این جابه‌جایی منفی است. در این بین انتقادات بسیاری از طرح انتقال پایتخت به و ویژه از سوی کارشناسان و مدیران شهری مطرح شده است. آنان معتقدند که مشکلات اصلی پایتخت شامل تراکم جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک و مسأله فرونشست زمین، ریشه در تمرکز شدید فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تهران دارد و حتی با جابه‌جایی پایتخت، این مسائل به قوت خود باقی خواهند ماند.

در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد، طرح‌های مشابه در دیگر کشورها مباحثی به‌دنبال نداشته است، تجربه کشورهای مختلف همچون اندونزی، که در حال اجرای پروژه انتقال پایتخت خود هستند، به خوبی نشان می‌دهد که این فرآیند پرهزینه و زمان‌بر است و مشکلات نازهای به‌وجود خواهد آورد.

به‌نظر می‌رسد که طرح انتقال پایتخت نیازمند بازنگری جامع و مطالعات دقیق‌تری باشد تا با شفاف‌سازی اهداف و راهکارهای عملی، تصمیم‌گیری‌های منطقی و مؤثری برای حل بحران‌های تهران اتخاذ شود.

◀ طرح شکست خورده!

محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران چندی پیش ضمن اشاره به مسوبی که سابقه بودن این پیشنهاد به «سازندگی» گفته بود که: در سال ۱۳۶۹ انتقال مرکزیت سیاسی کشور به خارج از تهران از طریق دولت به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، حول محوریت حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ارجاع شد. آقای روحانی از همه دستگاههای نظامی و دولتی دعوت کرده و هر هفته بالغ بر یک یا دو جلسه گفت‌وگوهای مشورتی پیرامون موضوع ارجاعی انجام می‌شد. موضوع پیش از ۶ ماه در دستور کار دبیرخانه شورای امنیت ملی بود. آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی در ارجاع خود تأکید کرده‌بودند که مساله به نحوی بررسی شود که آیا اساساً به مصلحت کشور هست یا نه؟

به گفته عطریان‌فر؛ بنده نیز به سبب مسئولیت حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی در وزارت کشور به نمایندگی از این وزارتخانه در این جلسات شرکت می‌کردم. ابعاد موضوع در همه سرفصل‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت حتی درباره جانمایی تقاطی در ایران مورد شناسایی قرار گرفت. ازجمله منطقه سمیرم، اطراف سمنان و اطراف اسلامشهر. با توجه به شناخت کافی‌ای که از مناطق گسترده ایران داشتم، معتقد بودم امکان ایسن کار وجود ندارد مگر منوط به یک نظریه قابل دفاع باشد. عطریان‌فر اضافه کرد: در آن زمان چند پرسش را مطرح کردم؛ اینکه با چه هدفی قصد جابه‌جایی مرکز سیاسی کشور را دارید؟ آیا این اقدام مشابه رفتار پاکستانی‌هاست که پایتخت را از شهری فقیر به نام راولپندی به مرکزیت اسلام‌آباد منتقل کردند؟ آیا با هدف نجات پیدا کردن دولتمردان از ترافیک تهران است تا روابط مدیریتی اجرایی در کلونی‌های بسته که نزدیک به هم تدارک دیده می‌شوند، عملیاتی شود؟ یا اساساً به دنبال آن بودند که مساله تهران را حل کنند؟

او ادامه داد که: ذهنیت حاکم این بود که شهری با ظرفیت ۸۰ هزار نفر را سر و سامان بدهند که بنا بر ارزش اعتبار ریالی آن زمان، کمتر از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه داشت و این مقدار از اعتبار در توان دولت نبود. دهها برابر قدرت بودجه کشوری می‌شد و نهایتاً این ماجرا به دلیل صورت‌مساله مبهم و منابع مالی بسیار سنگین، آن هم در شرایط جنگی کشور، متوقف شد.

عطریان‌فر تأکید کرد: اما به موازات این ماجرا یک اتفاق خردمندانه و قابل دفاعی رخ داد. با همه اشکالات؛ مدیریت شهری در آغاز دولت آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی از دستست نیروهای ناکارآمد خارج شد و در اختیار یک تیم موفق و مجرب که تجربه ارزشمند اداره شهری چون اصفهان با محوریت آقایان غلامحسین کرباسچی و محمدحسن ملک‌مدنی که شهرداران موفق و شایسته آن شهر بودند، قرار گرفت. این تیم با پشتیبانی وزارت کشور آقای عبدالله نوری و حمایت قاطعانه رئیس‌جمهور وقت، مأموریت ساماندهی شهر تهران را بر عهده گرفتند و تهران را از شهری فروخورده، فقیر، ناتوان، آلوده و فاقد ساختارهای شهری تبدیل به شهری توسعه‌یافته کردند. در همان ایام آقای اردوغان، رئیس‌جمهور فعلی ترکیه و شهردار آن زمان استانبول در سفری رسمی به تهران، با چشم اعجاب به تهران نگاه می‌کرد و آرزو داشت که ای کاش بتواند استانبول را به درجه توسعه‌یافتگی تهران ارتقا بدهد.

عطریان‌فر ادامه داد: موضوع انتقال مرکز سیاسی اگر با هدف حل مشکلات زیست‌محیطی، ترافیک، آب، انباشت فعالیت‌های اقتصادی و مسائل سرریز حوزه صنعت، مهاجرت‌های بی‌رویه و کنترل شهر برای ایجاد یک شهر تراز و شأن شهروندان تهرانی دنبال شود به صرف انتقال مرکزیت سیاسی به یک نقطه دیگر، قابل حل نیست. با توجه به تجربه شخصی، توصیه خیرخواهانه‌ای به برادر عزیزمان، آقای مسعود پزشکیان می‌کنم که حل مساله تهران و گرفتاری‌های ناشی از آشفتگی‌های موجود تنها با انتقال پایتخت و مرکزیت سیاسی ممکن نیست. با توجه به اینکه نظریه جابه‌جایی مرکزیت سیاسی در کشورها متعلق به نگاه قبل از دهکده جهانی است، امروز که بخش بزرگی از سرنوشت و زندگی مردم در چارچوب نظام‌های مجازی و اینترنتی و در اصطلاح e-govern-ment تعریف می‌شود این پیشنهادها، نوعی آب در هاون کوبیدن است. آن هم در کشوری که به جای سرمایه‌گذاری روی شبکه‌های ارتباطی هنوز گرفتار فیلترینگ است و این مساله را حل و فصل نکرده است.

قطعی برق؛ تهدیدی برای امنیت سفرها و ارتباطات جاده‌ای

مواقع اضطراری از کار می‌افتند.

ارتباطات پایدار در جاده‌های بین‌شهری و روستایی اهمیت بسیار زیادی دارد. نبود ارتباط در این مناطق به معنای عدم دسترسی به خدمات اورژانسی در زمان‌های حادثه، نبود اطلاع‌رسانی سریع به نیروهای امداد و نجات و حتی خطر از دست دادن جان انسان‌هاست.

برای مثال، اگر حادثه‌ای در جاده‌ای دورافتاده رخ دهد و شبکه ارتباطی قطع باشد، تأخیر در اطلاع‌رسانی و رسیدن امدادگران ممکن است جان حادثه‌دیدگان را به خطر بیندازد.

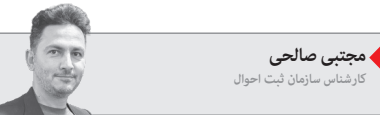
امنیت جاده‌ای و حفظ سلامت مسافران به شدت وابسته به ارتباطات پایدار و عملکرد صحیح دکل‌های مخابراتی است. قطع این ارتباطات به معنی از بین رفتن امکان ردیابی خودروهای عبوری، هشداردهی در مواقع خطر همچنین دشواری در اطلاع‌رسانی به نیروهای پلیس و اورژانس است.

این وضعیت پیچیده نشان می‌دهد که کشور نیازمند برنامه‌ریزی جامع و استراتژیک برای بهبود زیرساخت‌های خود است. توجه به توسعه زیرساخت‌های انرژی پاک مانند انرژی‌های بادی و خورشیدی، می‌تواند به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کمک کرده و از بحران‌های قطعی برق نیز جلوگیری کند.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

چه خبر از کارت ملی‌ها؟

بی‌خبری وزیر از ثبت احوال



◀ مجتبی صالحی
کارشناس سازمان ثبت احوال

سوم دی ماه ۱۴۰۱ وزیر کشور وقت طی مصاحبه‌ای اعلام کرد، صدور کارت هوشمند ملی تا پایان سال ۱۴۰۱ به روز خواهد شد و تمام کارت‌هایی که در نوبت چاپ قرار دارند صادر و ارسال خواهند شد؛ از آن تاریخ تاکنون نزدیک به دو سال گذشته اما هنوز کارت افرادی که تیرماه ۱۴۰۱ به بعد جهت صدور کارت درخواست داده‌اند، صادر نشده و همچنان در نوبت چاپ قرار دارند و مشخص نیست چه زمانی کارت‌ها به دست صاحبان آن خواهد رسید و سازمان ثبت‌احوال در این خصوص به هیچ عنوان پاسخگو نبوده است.

از طرفی از ابتدای سال جاری، طرح تعویض ۳۴ میلیون شناسنامه تا پایان سال ۱۴۰۳ بنا به اعلام عمومی توسط ریاست سازمان ثبت‌احوال استارت خورده اما براساس بررسی‌های انجام شده و اطلاعات موثق، حدود ۳ ماه است که درخواست‌های تعویض شناسنامه به دلیل نبود شناسنامه خام در نوبت چاپ قرار دارد و موجب دردسر برای صاحبان آن شده است. برای اجرای این طرح قراردادی با شرکت ملی پست تنظیم و طرح جمع‌ب صدور شناسنامه در مراکز استانی راه‌اندازی شد تا شناسنامه‌ها به صورت جمع‌ب شده، چاپ و به آدرس متقاضیان ارسال شود. با اجرای این طرح علاوه بر اینکه هزینه مزادای بدون مصوبه قانونی هیات دولت و برخلاف قوانین موجود بر مردم تحمیل شده و این طرح نیز هنوز کامل انجام نشده؛ صحبت از حذف شناسنامه به میان آمده است.

از آنجا که سازمان ثبت‌احوال، سازمانی حاکمیتی و خدماتی است نباید اهداف و برنامه‌های این سازمان با تغییر مدیران و انتصاب مدیران سیاسی دستخوش تغییروتحول شود و هر مدیری طرح و پروژه‌هایی تعریف شده که ابعاد ملی و کشوری دارد را براساس سلیقه شخصی تغییر داده یا موجب عقیم ماندن آن طرح و پروژه شود. به همین دلیل، این مساله باید مدنظر قرار بگیرد. انتخاب مدیری شایسته، متخصص، کاربلد و آشنا با امور ثبت‌احوال و قوانین موجود می‌تواند، تأثیر بسزایی در به سرانجام رسیدن پروژه‌ها و استفاده از ظرفیت این سازمان در جهت تسهیل امور کشور به‌خصوص مردم داشته باشد.

با نگاه به مدیران گذشته سازمان ثبت‌احوال مشاهده می‌کنیم که اکثر مدیران این سازمان خارج از بدنه سازمان و بدون رزومه مناسب و به واسطه ارتباطات و به عنوان سکوی پرتاب انتخاب شده‌اند و نتیجه آن نارضایتی کارکنان و نابه‌سامانی در امور سازمان و اجرای طرح‌ها بدون کار کارشناسی یا عقیم ماندن طرح‌ها و پروژه‌های ملی بوده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به موضوع صدور کارت هوشمند ملی که از آن به عنوان کلید ورود به دولت الکترونیک نام برده می‌شود، اشاره کرد. اکنون به‌رمگ اینکه اعلام شد، بدنه و چپ کارت ملی بومی‌سازی شده اما اکنون صدور آن نزدیک به دو سال زمان می‌برد و موجب بی‌اعتمادی مردم به این سازمان و دولت شده و باعث شده، کارکنان ثبت‌احوال در اقضا نقاط مختلف کشور، جمله «اینها که نمی‌توانند یک کارت ساده رو تولید کنند» را حداقل ۱۰ مرتبه از زبان مردم شنیده باشند. نبود شناسنامه و جلد شناسنامه نیز جدیداً به این مشکلات اضافه شده و این یعنی مدیریت کنونی سازمان ثبت‌احوال قادر به حل مسائلی که وظیفه ذاتی این سازمان است، نیست. مدیریت سازمان چگونه می‌تواند طرح و برنامه‌های جدید و خلق‌الساعه را بدون در نظر گرفتن اهمیت کار و صرفاً برای حفظ سمت و پست و مقام در دستور کار قرار دهد و یک سازمان را درگیر پروژه‌هایی که آینده مشخصی ندارد، کند؟

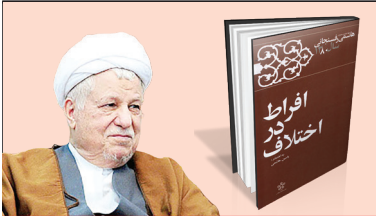
پایگاه اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت‌احوال بزرگ‌ترین و جامع‌ترین بانک اطلاعاتی کشور است که بسیاری از سازمان‌ها و نهاده‌ها برای احراز هویت افراد از این بانک اطلاعاتی بهره می‌برند. بالطبع افرادی که در تهیه و تشکیل این پایگاه داده که حاصل قریب به ۳۰ سال کار و تلاش مداوم بوده شرکت داشته‌اند، ارزش این گنجینه ارزشمند را بهتر از هر فرد دیگری می‌دانند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود، وزیر محترم کشور در راستای شعار و گفتمان دولت چهاردهم برای بهره‌برداری از این ظرفیت ارزشمند در راه توسعه و تسهیل امور کشور، فردی آگاه، متخصص و دردآشنا با مشکلات کارکنان ثبت‌احوال را برای مدیریت این سازمان برگزیند و مدیرانی که براساس رابطه و بدون تخصص در سمتی قرار گرفته‌اند را بر اموری که در آن تخصص دارند، قرار دهند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۱۴۰

ادامه جمعه ۳۰ شهریور

انفجار عظیم در جنوب فرانسه

سپس از بخش‌های مختلف به مدت دو ساعت بازدید کردم؛ خیلی مفصل است. همه ارگان‌ها و نهادهای نظامی، غرفه‌ای برای توضیح سهم خودشان دایر کرده‌اند و ابزار جنگ را به نمایش گذاشته‌اند. وزارت‌ها و نهادهای غیرنظامی هم غرفه‌های مفصلی برای توضیح سهم خود دایر کرده‌اند. اعلام شد که ۳۰۰ هزار مترمربع زیربنای نمایشگاه است. در چند غرفه مصاحبه کردم.

از آنجا به کرج رتفیم. ظهر میهمان آقای [محمدرضا] نوری‌شاهرودی، [سفیر سابق ایران در عربستان سعودی] بودیم. شب به خانه برگشتیم. سخنرانی [بوش]، رئیس‌جمهور آمریکا در کنگره مورد توجه محافل خبری جهان است؛ حماسی و متکبرانه و تهدیدآمیز و مغرورانه است و صریحاً می‌گوید، جنگ علیه تروریسم را از القاعده در افغانستان شروع می‌کنیم سپس به مراکز دیگر تروریستی یا حامیان تروریسم می‌پردازیم و متکبرانه می‌گوید، همه کشورهای جهان در این نبرد یا با ما هستند و یا دشمن‌اند و شریک تروریست‌ها و این صحبت‌ها مورد اعتراض بسیاری از شخصیت‌های دنیا قرار گرفته است؛ ازجمله سران روسیه و مسلمانان. [تونی بلر]، نخست‌وزیر انگلستان گفته در مذاکره تلفنی با آقای [سیدمحمد] خاتمی، به‌دست آورده که ایران حاضر است با آمریکا در مبارزه با تروریسم همکاری کند که قاعدتاً باید تکذیب شود؛ چون رهبری صریحاً با حمله آمریکا به افغانستان، مخالفست کرده‌اند. در جنوب فرانسه، انفجار عظیمی در مراکز صنعت پتروشیمی رخ داده که تاکنون ۱۵ کشته و ۲۰۰ مجروح آن اعلام شده است.

شنبه ۳۱ شهریور

گزارش اقدامات شورای عالی امنیت ملی
اولین جلسه مجمع [تشخیص مصلحت نظام] بعد از تعطیلات برقرار شد. بخش عمده وقت صرف بحث در مورد مسائل مربوط به حملات [۱۱ سپتامبر] به آمریکا و عکس‌العمل‌های احتمالی آن و نیز موضع ایران شد.

دکتر [حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] گزارشی از اقدامات شورای عالی امنیت ملی و تذکرات رهبری داد. خیلی‌ها از اقداماتی که علامت ضعف یا ترس است، انتقاد کردند؛ مثل رفتن آقای [احمد] بورقانی به سفارت سوئیس برای امضای دفتر همدردی به نمایندگی از هیات رئیسه مجلس که آقای [مهدی] کروی‌ی گفت، این کار با توصیه وزارت امور خارجه انجام شده؛ گرچه وزارت امور خارجه قبول ندارد و نیز حذف [شعار] «مرگ بر آمریکا» در مراسم نمازهای جمعه که معلوم نشد به سفارش چه کسی انجام شده است. قرار شده، رسیدگی شود و نیز یک دقیقه سکوت، هنگام برگزاری مسابقه فوتبال در ورزشگاه آزادی و سهل‌انگاری‌هایی که منجر به اجتماع ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر در میدان محسنی [= مادر] به عنوان ابراز همدردی شد و سروصدایی که رسانه‌های غربی در مورد علت سفر وزیر امور خارجه انگلیس به ایران راه انداخته‌اند و در ابراز رضایت از اظهارات آقای خاتمی، تردیدهای جدی وجود دارد.



جهانگشای ایرانی

به بهانه سالروز تولد نادرشاه افشار

راندن آنها از ایران بود که محبوبیت زیادی برای او رقم زد بنابراین سال ۱۱۱۴ شمسی، وقتی از اعتبار خود مطمئن شده بود در میان سران سلسله صفویان، پادشاهی خود را اعلام کرد. نادر در ۱۲ سالی که در تاریخ ایران بر جایگاه شاه نشست، توانست قدرت متجاوز روسیه و عثمانی که یک‌سوم از خاک ایران را به خود اختصاص داده بودند، کنار بزند و به ایران اعتبار خاصی ببخشد، اگرچه در سه سال پایانی عمر، فرمانروایی‌اش خشونت‌ی جنون‌آمیز را به تصویر کشید. دکتر رضا شعبانی، متخصص تاریخ ایران در روزگار افشاریه معتقد است که نادرشاه افشار یکی از ۵ نابغه بزرگ عالم است و از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ محسوب می‌شود. از نظر غلامحسین زرگری‌نژاد، تاریخ‌نویس و نادرشاه افشار احیاکننده ایران درحال فروپاشی بود: «شیوه غلط دوره صفویه و مرگی که قدم به قدم این نظام را در کاخ خود فرو برد و فرو ریختن آن نظام، مصیبت و بلایی برای کشور ایران بود. قحطی، گرسنگی، خونریزی و عدم امنیت واقعی بود که بعد از فروپاشی صفویه بر ایران حکمرانی می‌کرد. روس‌ها وارد ایران شده بودند و عثمانی نیز به راحتی اندیشه انتزاع قفقاز را از ایران به همدان به اجرا گذاشته بود و بر سر این مساله عهدنامه نوشته بودند. نخستین قرار داد رسمی برای تجزیه ایران، عهدنامه سلاطین عثمانی و روسیه است. بخشی از قفقاز و گیلان به روس‌ها داده شد و آذربایجان و همدان به عثمانی تعلق گرفت. ما بلای تقسیم ایران را در آن دوره داشته‌ایم و اگر نادرشاه افشار در این فضای مصیبت‌زده ظهور نمی‌کرد، دیگر ایران و ایرانی باقی نمی‌ماند. این نقش بزرگی است که نادر در این زمینه داشته است. از نظر فرهنگی نیز موارد متعددی در زندگی نادر برجستگی دارد و آن طرح نظری اتحاد اسلام در ایران برای نخستین بار است. نادر معتقد بود، دو کشور ایران و عثمانی که قرآن واحد، پیامبر واحد و دین واحدی دارند، نباید همدیگر را بکشند و بر کشته‌های مردم جشن بگیرند». پادشاه خوب یا خونخوار؟ نادرشاه افشار به آزادی اقوام، صادر کردن فرامین، احترام به ارامنه و دیگر اقلیت‌های دینی ایران اعتقاد داشت اما با وجود این در نگاه‌های شخصی‌ت خونخواری چون آتیل، چنگیز، هولاکو و تیمور است.

اما درباره دلایل حمله نادرشاه افشار به هند دو دیدگاه وجود دارد، دیدگاهی که می‌گوید، او می‌خواست ادای فاتحان بزرگی چون اسکندر و محمود غزنوی را دریاورد و دیدگاه دیگری که حمله را بر اثر وقایع پیش آمده آن روزگار تحلیل می‌کند. حدود ۸۰۰ باغی به دهلی فرار کرده بودند و نادرشاه درصدد بود که آنها را بازگرداند

بنابراین، پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات و در نهایت کشته شدن یکی از سرداران شجاع ایرانی، لشکرکشی به هند را آغاز کرد. در واقع فتح هند یکی از شاهکارهای نظامی این شاه افشاری بود و بعد از آن هم به ماوراءالنهر و به جنگ ازبک‌ها رفت. تمام غنایم جنگ‌هایش را هم در آن بنای عجیب‌وغریب کلات نادری جمع می‌کرد؛ بنایی که شبیه خندق و قلعه و دژهای طبیعی محصور شده با کوه‌های صعب‌العبور بود. دیوارهای بیرونی بنا طوری صیقل داده شده بود که امکان آویختن سلاح و دستی به آن وجود نداشته باشد همچنین نیروهایی به صورت شبانه‌روز در آنجا نگهداری می‌دادند. او یک نابغه نظامی بود و در جنگ با هند با ۸۰ هزار مرد جنگی در برابر ۳۰۰ هزار مرد جنگی، ۲ هزار زنجیر فیل، ۹۰۰ عراده توپ سنگین و دیگر ادوات از ترفندهایی استفاده کرد که آنها را شکست دهد. میرزا مهدی‌خان استرآبادی در کتاب «جهانگشای نادری» نوشته است که بیش از ۳۰ هزار سرباز هندی در این نبرد کشته شدند، درحالی که کشته‌شدگان ایرانی تنها ۱۵۰۰ نفر بودند. اما تمام نبوغ نظامی و جلودگری از تقسیم ایران، زمانی رنگ باخت که نادرشاه بدبین شده بود و شاید این خاصیت قدرت است که فرد را بدبین کرده و به جنون می‌کشاند. او برای تدارک جنگ‌هایش از مردم مالیات‌های سنگین دریافت می‌کرد و در برابر اعتراض مردم خشونت به خرج می‌داد و در آوردن چشم از حدقه را به تیپه‌ی رايج تبدیل کرده بود. در نهایت بیماری، مال‌اندوزی افراطی، جنون و بی‌رحمی باعث قتل او به دست یکی از فرماندهان قشون خود شد. لارنس لاکهارت مورخ انگلیسی می‌نویسد: «نادر شبی رئیس نگهبانان خود را احضار کرد و گفت: من از نگهبانان خود راضی نیستم. از وفا و دلیری شما آگاهم. حکم می‌کنم فردا صبح همه آنان را توقیف و زنجیر کنید و اگر کسی مقاومت کند، ابقا نکنید. حیات من در خطر است. برای حفظ جان فقط به شما اعتماد دارم. نوکری گرجی این موضوع را به اطلاع سرداران نادر رساند و ایشان مصمم شدند تا دیر نشده، نادر را از میان بردارند. ترس بر آنان چنان غلبه کرد که اکثرشان جرأت ورود به خیمه را نکردند. فقط محمدخان قاجار، صالح‌خان و یک شخص متهور دیگر وارد شدند و چوکی تا متوجه آنها شد، نادر را بیدار کرد. نادر خشمناک از جای برخاست و شمشیر کشید. پایش در ریسمان چادر گیر کرد و درافتاد. تا خواست برخیزد، صالح‌خان ضربتی وارد آورد و یک دست او را قطع کرد. محمدخان قاجار هم سر نادرشاه را از تن جدا ساخت.»

تقویم

وطن‌پرست و ملی‌گرا

به مناسبت سالمرگ داریوش فروهر



داریوش فروهر از سیاستمدارانی بود که در نخستین روز آذر سال ۱۳۷۷ در جریان قتل‌های زنجیره‌ای به همراه همسرش پروانه فروهر به قتل رسید.

او در سال ۱۳۰۷ در اصفهان به دنیا آمده بود و در هنگام مرگ ۷۰ سال داشت. فعالیت سیاسی داریوش فروهر خیلی زود و هم‌زمان با دستگیری پدرش توسط انگلیسی‌ها آغاز شد و بعد هم آشنایی با مصدق، او را در این راه جدی‌تر کرد. چندین بار در تظاهرات دبیرستانی همچنین فعالیت سیاسی در دانشگاه تهران دستگیر شد. در رشته حقوق در دانشگاه تهران درس خواند، عضو یک گروه سیاسی ملی‌گرا به نام مکتب شد که بعدها به حزب ملت ایران تغییر نام داد. در جریان اختلافات مصدق با محمدرضا پهلوی، جانب مصدق را گرفت بنابراین پس از کودتا، درس‌هایی هم برایش ایجاد کردند و تحت تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد. او از آن زمان تا زمان انقلاب ۵۷ دست‌کم ۵ بار به دلیل فعالیت سیاسی به زندان افتاد. در خلال این رفت‌وآمدها از زندان به بیرون از زندان به برخی اقدامات پرداخت ازجمله اینکه؛ با تشکیل جبهه ملی دوم به آن پیوست و جناح اقلیت را سازماندهی کرد. فروهر حدود یک سال پیش از انقلاب در ایران به همراه شاپور بختیار و کریم سنجابی نامه‌ای را به محمدرضا شاه پهلوی نوشت و خواست تا برای نجات کشور به حکومت استبدادی پایان داده و به اصول مشروطیت تمکین کند. چند ماه بعد در دی‌ماه همان سال مجدداً فروهر به همراه سنجابی و شاپور بختیار نامه دیگری به شاه می‌نویسند که متن آن تا نامه قبلی تدرت‌است. در این نامه حکومت شاه به تلاشی کردن اقتصاد کشور از طریق تورم همچنین نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر و قانون اساسی متهم می‌شود. در این نامه آمده است: «تنها راه اعاده وحدت ملی و حقوق فردی ترک استبداد، احترام به قوانین مشروطه، رعایت اعلامیه حقوق بشر، الغای نظام تک‌حزبی، تأمین آزادی مطبوعات و تجمعات، آزادی زندانیان سیاسی، صدور اجازه‌بازگشت به وطن برای تبعیدیان و تشکیل حکومتی برخوردار از اعتماد مردم و معتقد به قانون اساسی است.» در بحبوحه انقلاب ایران که شاه از ایران خارج شد، او هم راهی فرانسه شد و پس از دیدار با آیت‌الله خمینی هم‌زمان با بازگشت امام به ایران بازگشت. نخستین کسی بود که از هواپیما پیاده شد، درحالی که کریم سنجابی در پایون منتظر بود و شاپور بختیار در نخست‌وزیری، خبرها را دنبال می‌کرد. در دولت موقت مهدی بازرگان به‌عنوان وزیر کار انتخاب شد ولی حضور او در دولت بازرگان چندان دوامی نداشت. این همکاری به علت بروز برخی اختلافات پایان یافت تا او دوباره به همان فعالیت‌های حزبی خود بپردازد. منتقد بود و سال ۱۳۵۸ یک بار هم در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرد، امید داشت کارگران، زنان، کردها و هواداران جبهه ملی به او رای دهند اما چنین اتفاقی رخ نداد و با فاصله بسیار زیاد با سایر رقبای، نفر چهارم شد بنابراین از سیاست فاصله گرفت. اگرچه چندان نقش پررنگی در سیاست ایران نداشت اما در پاییز سال ۱۳۶۱ دستگیر و به مدت ۵ ماه زندانی شد و تا زمان مرگ هم در حاشیه ماند. ۴۵ روز از بعد از مرگش، وزارت اطلاعات اعلام کرد که این جنایت را عوامل خودسر مرتکب شده‌اند. اتفاقی که‌سابقه در ایران و حتی جهان که دستگاه امنیتی، دست به چنین اعتراضی بزند و همچنان مهم‌ترین اقدام دولت خاتمی به شمار می‌آید: «با کمال تأسف معدودی از همکاران مسئولیت ناشناس، کم‌اندیش و خودسر این وزارت که بی‌شک آلت دست عوامل پنهان قرار گرفته و در جهت مطامع بیگانگان دست به این اعمال جنایت‌کارانه زده‌اند در میان آنها وجود دارد».